

یک نظر این است که مانع فرارشان نشویم، زیرا به کلی از اعتبار ساقط می‌شوند و چیزی بر مدنی و بختیار و پهلویها نمی‌افزایند. نظر امام، این بوده که نگذاریم بگریزند؛ ولی دیشب از احمد آقا نقل شد که امام هم، دیگر مخالفتی ندارند.

عصر، جلسه هیأت رئیسه داشتیم. برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم. تقاضای جلسه غیر علنی برای بحث در سرنوشت رئیس جمهور، مطرح شد. نظر این شد که چند روزی تأخیر بیندازیم تا با اعمال خودشان زمینه را مساعدتر کنند.

عصر آقایان محسن رضائی و محمدزاده از سپاه آمدند و تحلیلی از وضع جاری ارائه دادند و انتقاداتی از عدم انسجام و هماهنگی مسئولان، در برخورد با جریان بنی صدر و عدم همکاری صداوسیما، داشتند.

آخر شب، آقای رضائی تلفنی اطلاع داد که خبری می‌گوید، آقای بنی صدر هواپیمای بزرگی را خواسته، آماده داشته باشند و می‌گفت احمد آقا هم از امام کسب تکلیف کرده و امام هم مخالفتی ندارند. خودم از احمد آقا پرسیدم، ایشان تأیید کرد.

آخر شب احمد آقا مرعی و حسین آقا آمدند. اخبار زلزله وحشتناک گلباف کرمان را بیشتر از من داشتند^۱.

جمعه ۲۲ خرداد

۹ شعبان - ۱۲ ژوئن

اول وقت، سرهنگ وحید دستجردی رئیس شهربانی آمد و گزارشی از وضع شهرها داد. مجموعاً اوضاع را خوب توصیف کرد و حرکات مخالفان را ضعیف و پراکنده، می‌گفت؛ حمله به دفاتر هماهنگی زیاد است و فرماندهان نظامی و انتظامی خیلی از این تغییر راضیند، از دوگانگی راحت شده‌اند و تکلیفشان روشن شده، تضاد گذشته رنجشان می‌داده. حرف درستی است.

سپس آقای مصطفی میرخانی آمد و از طرف دکتر پیمان، تقاضای ملاقات و تفاهم داشت و خودش هم از اینکه در میان همفکران قدیمی اش نیست، ناراحت بود و چاره‌جویی می‌کرد. آقای بهشتی، تلفن کردند و درباره مسائل جاری تبادل نظر کردیم. احمد آقا خمینی، تلفن

۱ - این زلزله در ساعت ۱۰/۵۶ صبح روز پنج‌شنبه ۲۱ خرداد ما شدت ۶/۷ تا ۶/۹ درجه در مقیاس ریشتر و به مدت دو ثانیه روی کرمان و کرمانشاه مطلقه گلباف کرمان اعلام شد.

کردند و پیشنهاد مراقبت بیشتر در شهرستانها کردند و از احتمال تظاهرات مخالفان در قزوین و استقبال عظیم مردم کاشان می‌گفتند.

یاسر بهانه‌گیری دارد و می‌خواهد به باغی یا کوه یا جای دیگری، برای سرگرمی برود. عفت و فاطمی به خانه اقدس خانم مرعشی، برای دیدار بایستگان رفسنجانی می‌روند. من می‌خواهم در خانه استراحت کنم؛ اگر بگذارند.

فاطمی و سعید، عصری برگشتند و از کثرت جمعیت نماز جمعه امروز می‌گویند؛ مردم شعار علیه آقای بنی‌صدر می‌دادند و مسئولان آنها را نهی می‌کردند.

آقای فتوحی همسایه، معاون فروهر، آمد و از اختلافش با فروهر صحبت می‌کرد؛ مدعی بود که یکی از قضات زندان اوین رشوه می‌گیرد. قرار شد دلیلی و سرنخی برای تعقیب ارائه دهند.

عصر گروهی از معلولان و آسیب دیدگان جنگ آمدند و جریانهای اعجاب انگیزی از فداکاری و شجاعت رزمندگان، نقل می‌کردند.

مادر شهیدی آمد که خود کارگر کارخانه‌ای در اصفهان است و پسرش از شهدای بمباران زندان «دولتو»^۱ و مسئول سابق اطلاعات سپاه در کردستان است. خیلی صبور و بردبار و مقاوم است.

شب، آقای لاهوتی آمد و بحث زیادی درباره‌ی موضع ایشان داشتیم. ایشان از موضع امام، ما، مردم، صداوسیما و مجلس انتقاد داشت.

آخر شب آقای محسن رضائی خبر داد که سی نفر می‌خواهند دولت را استیضاح کنند.

شنبه ۲۳ خرداد

۱۰ شعبان - ۱۳ ژوئن

برای اینکه در رابطه با آقای بنی‌صدر، در مسأله ریاست جمهوری و طرح عدم کنفایت سیاسی، نظر امام را بدانم، اول وقت به منزل ایشان رفتم. اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و

۱. دولتو، زندانی بوده متعلق به حزب دموکرات کردستان که در آن بسیاری از نیروهای سپاهی، ارتشی و جهادی که به اسارت این گروهک در آمده بودند، نگهداری می‌شدند. در اوائل اردیبهشت سال ۱۳۶۰ به دنبال تپانی حزب دموکرات با ارتش بعث عراق، جنگنده‌های بعثی به ملور وحشیانه این زندان را بمباران کردند و اسیران بی دفاع را به خاک و خون کشیدند. در این حادثه ۱۲۰ نفر از اسرا به فیض عظمای شهادت نائل آمدند.

آقایان قدوسی و ربانی و خلیها بودند. امام هم مثل من نظرشان این بود که ترجیح دارد، آقای بنی صدر تابع قانون شود و رئیس جمهور بماند، اما به ظن قوی، ایشان تسلیم قانون نخواهد شد؛ لذا ما باید اتمام حجت کنیم، حتی ایشان را دعوت به مذاکره کنیم، اگر تسلیم نشد، چاره‌ای نیست باید به قانون عمل کرد. ایشان از عواقب کار هم، نگران نبودند. آقای بنی صدر را قدرتی نمی‌دانند. به آقای قدوسی هم گفتند: اخطار کنید، اگر نتیجه‌ای نگرفتیم، نوبت برخورد می‌رسد و قرار شد، مجلس روی همین روال حرکت کند.

مصاحبه‌ای کردم و خلاصه‌ای گفتم^۱. سپس به مجلس رفتم. از بخشی از کادر اداری مجلس، اداره تلکس و اداره قوانین بازدید کردم؛ و به خواسته‌های کارکنان گوش دادم. گزارشها را خواندم.

تظاهرات پراکنده‌ای علیه وله آقای بنی صدر در تهران و شهرستانها رخ می‌دهد. چند نفری هم تابه حال تلف شده‌اند.

ظهر به خواست آقای قدوسی، با ایشان و آقای خامنه‌ای در اتاق من جلسه‌ای داشتیم. آقای قدوسی می‌گفتند: دوستان اجرائی در سپاه و جاهای دیگر از اینکه تصمیمات توسط حزب یا شخص آقای بهشتی، گرفته می‌شود و آنها در جریان نیستند، گله دارند؛ ولی واقعاً این نیست. اشتباه کرده‌اند.

اصل مسأله، همین توقیف روزنامه‌هاست که شورای عالی قضائی، بدون مشورت و بلکه بر خلاف نظر دیگران، اقدام کرده است.

عصر، پرونده خودم را که در ساواک در جریان بازداشتها جمع شده، مطالعه کردم. آقایان پرورش و یارمحمدی آمدند و راجع به نظر امام توضیح خواستند.

۱ - آقای هاشمی رفسنجانی در این مصاحبه به خبرنگار خبرگزاری پارس گفت: صلاحیت رئیس جمهور زیر سوال قرار گرفته است. اگر من بتوانم با تقاضا یا توضیح، مجلس را هم از طرح بحث درباره کفایت سیاسی ایشان منصرف کنم، فکر می‌کنم مصلحت این باشد. البته مسأله بستگی دارد به اینکه، ایشان چه مقدار آماده باشند که تابع قانون باشند. ... بعد از عزل آقای بنی صدر از سمت جانشینی فرماندهی کل قوا، در مجلس فشار شدیدی وارد می‌آید که مسأله کفایت سیاسی ایشان مطرح شود.

... معمولاً امام در کارهایی که مربوط به خودشان نیست، دخالت نمی‌کنند و چون این مسأله از وظایف مجلس است، مایلند که مجلس مستقلاً کار خودش را انجام دهد.

کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

با آقای عباس ادوزدوزانی (وزیر ارشاد) در مورد تقویت مالی روزنامه آزادگان - که دچار مشکل است و آگهی می‌خواهد - صحبت کردم.

یکشنبه ۲۴ خرداد

۱۱ شعبان - ۱۴ زون

روزهای پر حادثه‌ای است. کتاب تاریخ ایران به سرعت ورق می‌خورد و حوادث مهم تاریخی روی می‌دهد و تاریخ به سرعت حرکت می‌کند.

جلسه علنی داشتیم. پیش از دستور آقای غضنفرپور نماینده لنجان و یار متعصب بنی‌صدر به جای نطق پیش از دستور، اطلاعیه آقای بنی‌صدر را خواند. اطلاعیه خیلی بدی است که صداوسیما نخوانده و جراید نوشته‌اند و اثر بسیار شدیدی روی امام و نمایندگان و مردم در طرد سریعتر رئیس جمهور دارد. نمایندگان صبورانه تحمل کردند.

غضنفرپور و سلامتیان از مجلس بیرون رفتند و در درب مجلس با یک فرد سپاهی برخوردی داشتند که به اسلحه کشی رسید.

امام که از رادیو شنیده بودند، از خوانده شدن اطلاعیه از تریبون مجلس، انتقاد کرده بودند. آقای خامنه‌ای - که خدمت امام بوده‌اند - گفته‌اند که آئین‌نامه مجلس را نمی‌شود نقض کرد و امام قانع شده‌اند، به شرط اینکه جواب داده شود.

فرماندهان لشکرها و پایگاههای هوایی خدمت امام رسیدند، همراه آقای خامنه‌ای؛ و امام مطالب مهمی، در جهت تقویت خط امام و تضعیف لیبرالها و به خصوص بنی‌صدر، فرمودند.^۱

لایحه معاملات مسکن را تصویب کردیم. محدودیت‌هایی ایجاد شد. ظهر، با گروه صدوپنجاه نفری از کشاورزان سیستان که برای تشکر از دریافت زمین و وام و امکانات به مجلس آمده بودند، ملاقات کردم و با آنها صحبت کردم.

استاندار هرمزگان و نمایندگان استان آمدند و از اینکه آقای نظری زاده کرمانی، کاندیدای نمایندگی مجلس، برای برگرداندن شیخ خالیدی امام جماعت سنی‌های بندرلنگه از دویی تلاش می‌کند، ناراضی بودند. ایشان قهر کرده. می‌گفتند، بهتر این است که برنگردد.

شماره نوزدهم، چاپ ۱۳۵۲

بسمه تعالی
مجلس شورای اسلامی
دوره اول - سال دوم
۱۳۶۰ - ۱۳۶۱

برادر آقای هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

هان فرعون علا فی الارض و جعل اهلها شعبا، صدق الله العظیم.

با توجه به تخلفات متعدد و مکرر آقای بنی صدر رئیس جمهوری از قانون اساسی و وظایف قضائیتی، بخصوص عملکرد چندماهه اخیر ایشان و اقدامات تحریک آمیز که شخص ایشان داشته‌اند و هم دفتر و روزنامه ایشان که در اثر توهین و تضعیف ارگانهای رسمی کشور، درگیر بها و حتی تلفات جانی و خسارات مالی بوجود آمده است درخواست طرح عدم کفایت سیاسی ایشان در مجلس شورای اسلامی به نید دو فوریت را داریم.

طرح قانونی عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور

ماده واحده - مجلس شورای اسلامی رای به عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور میدهد. رهبر طبق اصل ۱۱۰ فرمان مقتضی را صادر خواهند نمود.

غور گوی خلیفای - سیدمجاد حمیدی - محمود همدانی - صباح رنگ - سیدمحمد خوشی - دوسی عازری - احمد حسینی - حسن روحانی - زرفانی - عباس مظفر - علی آقا محمدی - عبداللہ بنی کریمی - محمد حسن طینی - دکتر لوراسانی - میرزا پور - مرادوسی پور - جبارخاوند - سیدجواد شرافت - نواد کریمی - عبدانگیزه شریعی - محمدحسین آملی - طحطاقی نژاد - محمد کنفی - بوته خرمانی - بهاء الدین علم الهدی - نصیری لاری - عسگر اولادی - مهدی شاه آبادی - رضوی اردکانی - دکتر زرگر - منوچهر سنگی - اروستان - دردی نعمت آبادی - سیدنظرالدین رحیمی - رحمان سنگی - رحیمعلی طاهری - محمد بزوی - عالیپور رانده - جعفر شمعونی - سیدمحمد کاروش - علی محمد بنشارعی - اسامعیل خوشنویس - خرمانی - محمدعلی حبیری - اسامعیل ندرانی - دیالده - جهانبانگه بیجاگریمی - رشیدیان - علی اکبر ناطق حوری - مفادینخواه - احمدی - علی ملگونی - ابدالله بیابان - هاشمیان - ابوج صغاری دزفولی - احمد علیزاده - محمدعلی عطارعی - علی اصغر باغانی - محمدتوروزی - سیدمحمد حسینی - فلاصفیاس و آری - دکتر ولایتی - شمس الدین حسینی - سیدپور - عباس عباسی - شهورباری - مصوبی - مهدی کردی - صاحب الزمانی - دهرمان رحمانی - الویری - مهاجرانی - تعلیلی - محمدتقی بشارت - داتنی آشتیانی - کره باغی - سیدابوالفضل موسوی تبریزی - احمد علیزاده - کریمی - نژادی - صفانی - شعیب رحیمی - حبیری - رحمانی - محمد منتظری - رحمان الهی - فقیرتالله نبضی - هاشمی سنجابی - عبدالواحد موسوی صادقی - فاضلی - انواری - موسوی خراسانی - محسن مجتهد شینوری - حارثی - بداله دهقان - ابوالحسن حسینی - حق شناس - احمد کاتانی - محمدعلی حادلی - پاک نژاد - محمدحسین رحیمی - علی اکبر دهقان - فخرالدین موسوی - حمیدلی - محمدامامی کاتانی - زینلی - آیت - شیرازیان - شاهرچی - هادی غفاری - تاج کردون - ناخاری - عباسی - میرپوروسی - عبدخداآبی - بیتا اوشانی - فخرالدین جمجاری - حسین کرمانی - ملک پور - مصطفی تبریزی - محمدعلی موحیدی - عبداله املی - طالبانی - محمد حسین صادقی - محمد رضا عباسی - پرورش - بارمحمدی - مرتضی محمودی - عباسعلی ناطق توری - فاضلی - محمد صلیح حارثی - کیان آرنی - سیدحسین حسینی رابانی و چند اعضای نامبران.

عصر، در جلسه شورای مرکزی حزب و شب، در جلسه مشترک نمایندگان و مسؤولان اجرائی هوادار حزب شرکت کردم. بحث در کیفیت، برخورد با بنی صدر و گروههای محارب دیگر بود و مخصوصاً پیشنهاد سلب کفایت سیاسی آقای بنی صدر. در مجلس، امروز یکصد و هفت نفر از نمایندگان، کتباً تقاضای رسیدگی به صلاحیت سیاسی آقای بنی صدر را کردند و خواستار طرح آن با قید دو فوریت هستند. من صلاح ندیدم که فوراً مطرح شود؛ اولاً باید پخته تر شود و زمینه مردمی آن درست شود؛ ثانیاً آئین نامه در کیفیت عملکرد مجلس نداریم؛ ثالثاً امام هم گفته اند عجله نشود و فرصتی به آقای بنی صدر، برای اصلاح خودش بدهیم.

دوشنبه ۲۵ خرداد

۱۲ شعبان - ۱۵ زون

چهار دقیقه، دیر به مجلس رسیدم. برای اولین بار، تأخیر داشتم. پیش از دستور آقای امحمد علی حیدری نهاوندی، مختصری جواب اطلاعیه بنی صدر را داد و یکی از نمایندگان در مخالفت، صحبت کرد و آقای اعلی اکبر معین فر، نامه آقایان مهندس امهدی بازارگان، دکتر ایدالله سبحانی و دکتر کاظم اسامی را خواند که اعتراضاً به مجلس، نخواهند آمد و من جواب آنها را خوب دادم؛ اگر جواب نمی دادم مجلس متشنج می شد. طرح الحاق دادگاههای انقلاب به دادگستری، مطرح است و اجازه عمل به فتاوی امام در کیفر مجرمان و قصاص، که زمینه ساز اجرای قصاص اسلامی است. خبر رسید که امام، در ملاقات علمای مازندران، مطالب مهمی علیه ملی گرایان و بنی صدر

۱. در این جلسه مهندس علی اکبر معین فر، نامه اعتراض آمیز از طرف بازارگان، سبحانی و سامی قرائت کرد که در آن به توهین و تهدید و عدم تأمین در محوطه در ورود و خروج مجلس، اختلالگری در اجتماعات، سانسر و محرومیت در صداوسیما و توقیف روزنامه های آزاد اعتراض کرده و اعلام نموده بودند که به عنوان اعتراض، از شرکت در جلسات مجلس، جز در مورد بودجه و جنگ خودداری خواهند کرد.

آقای هاشمی رفسنجانی پاسخ داد: من مورد اعتراض به حق نمایندگان واقع می شوم که چرا تریبون مجلس را در اختیار کسانی می گذارم که اعلامیه آشوب مجلس را از اینجا بخوانند، اما بدانید که ما از موضع قانونی حرکت می کنیم. اگر داستان با استفاده از حق قانونی شود، روزنامه ای را توقیف می کند، من هم با حق قانونی خود به نمایندگی اجازه می دهم که اینجا حرفش را بزند و با حق قانونی، اگر اهانتی به مجلس باشد، از مجلس دفاع کنم و با وظیفه قانونی حتی با نماینده ای که اینها را می گوید و این نسبت ناروا را به مجلس می دهد، که مجلس در جهت اختلاف حرکت کرده - باید این تذکر را بدهم. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۰/۳/۲۵، صفحه ۸).



گفته‌اند. جبهه ملی و گروه‌های محارب اعلان راهپیمایی علیه حکومت کرده بودند و امام با این بیانات، باعث شدند که جرأت آمدن به خیابان را نکنند و در عوض مردم حزب اللهی به خیابانها ریختند و شعارهای تند، مبنی بر عزل و محاکمه و اعدام بنی‌صدر و ملی‌گرایان دادند. بیش از پانصد هزار نفر، بدون مقدمه در خیابانها جمع شدند و تا غروب، تظاهرات می‌کردند. آخر وقت، جمعیت عظیمی مقابل مجلس آمدند و خواستار ملاقات با من شده بودند، به ملاقاتشان رفتم، خیلی پرشور برخورد کردند و شعارهای جالبی داشتند و خواستار سلب کنایت سیاسی بنی‌صدر در مجلس بودند. به آنها گفتم: امضای صدوهفت نفر نماینده به شما اطمینان می‌دهد که مجلس نظراتش با شما موافق است و با قدردانی از آنها، خواستم متفرق شوند. با نظم و شعار پراکنده شدند.^۱

نزدیک غروب، صدای انفجار مهیبی آمد. بعداً معلوم شد، در حیاط کاخ مسکن بنی‌صدر، انفجار رخ داده. ممکن است، کار خودشان باشد و ممکن است از مخالفانشان، بعداً روشن خواهد شد.

عصر، مصاحبه‌ای با مجله پیام انقلاب داشتم.^۲ گروهی از نظامیان آمدند و پیشنهادهایی در جهت تأمین خط مکتبی در ارتش داشتند.

جلسه هیأت رئیسه داشتیم؛ در مورد کیفیت طرح سلب کنایت سیاسی بنی‌صدر. شب، در دادگستری، جلسه مشورتی قوای سه‌گانه با سپاه و... بود که در کیفیت حرکت سیاسی و تبلیغات و دستگیری سران مخالفان محارب و مسائل روز تصمیم‌گیریهای شد.

احمدآقا تلفن کرد و گفت: امام می‌فرمایند، زودتر مجلس در مورد آقای بنی‌صدر، تصمیم بگیرد. امروز بنی‌صدر، جواب مغرورانهای به اظهارات امام داده، معلوم است، نمی‌خواهد به راه بیاید.

مهندس بازرگان، با اعلامیه‌ای خود را نجات داده است. خانم امام و دختران و عروسشان، مهمان عفت بودند.

۲- کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۱- کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.

سه شنبه ۲۶ خرداد

۱۳ شعبان - ۱۶ ژوئن

عفت تب داشت. از خانه بیرون رفتم. مجلس جلسه علنی داشت. دو فوریت طرح، در عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور و آئین نامه آن و ادامه بحث الحاق دادگاه انقلاب به دادگستری مطرح بود و جلسه، حساس و سیاسی بود. به حمدالله موفق شدم، خوب کنترل کنم. حزب اللهی ها، اطراف مجلس جمع شده بودند و تظاهرات می کردند و خواستار سرعت عمل در عزل آقای بنی صدر بودند. در موقع تنفس، با آنها صحبت کردم. شعارهای تند علیه آقای بنی صدر می دادند.

بعد از ظهر هم، برای جواب سئوالاتی که از وزرا شده، جلسه داشتیم، خیلی سئوال شده که فرصت جواب، به دست نیامده و این برخلاف قانون اساسی است. چون من خسته بودم، اداره جلسه را به آقای پرورش سپردم و اشکالی در تنظیم دستور جلسه بود که کار متوقف ماند و جلسه تعطیل شد.

عصر، شورای فرماندهی سپاه پاسداران آمدند و پیشنهاد می کردند که شورای فرماندهی کل قوا که پس از عزل آقای بنی صدر، احتمالاً تشکیل می شود، مرکب باشد از دو نظامی و یک سپاهی؛ سرهنگ نامجو، سرهنگ فکوری و محسن رضائی را پیشنهاد می کردند. قرار شد با امام صحبت کنیم.

عصر و شب، در نخست وزیری جلسه ای با ستاد انقلاب فرهنگی داشتیم. درباره برنامه دانشگاهها و تعیین مسئولیتها - که فعلا بین ستاد انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی و وزارت علوم مشکلاتی هست و تداخل وظایف و اختیارات پیش آمده - بحث شد؛ متأسفانه ستاد، هنوز برنامه مشخصی برای کار دانشگاهها ندارد.

عصر، خبر رسید که آقای بنی صدر، قصد فرار یا رفتن به غرب یا جنوب - احتمالاً برای توطئه - دارد. سپاه از طرف امام، مأمور شد که جلوی سفر ایشان را بگیرد. ولی آقای بنی صدر از محلی که بود به جای دیگری منتقل شده و دیگر از زیر نظر بیرون رفته، گفته می شود در اطراف ساوه است.

آخر شب، با آقایان رجائی و بهشتی، جلسه مشورتی داشتیم و مقداری در اطراف انتخابات ریاست جمهوری، بعد از آقای بنی صدر بحث کردیم، شام را همان جا صرف کردیم.

دیر وقت به خانه آمدم. متأسفانه عفت هنوز تب دارد و آمپول نوالژین تزریق کرده بود. خبر

پیروزی سپاه و ارتش در دهلاویه خوشحال کننده است؛ ولی گویا خیلی مهم نیست.

چهارشنبه ۲۷ خرداد

۱۳ شعبان - ۱۷ ژوئن

ساعت شش، از خانه بیرون رفتم؛ برای اینکه قبل از جلسه - که بسیار حساس بود - مشورت‌هایی بشود. دستور جلسه بحث در آئین‌نامه رسیدگی به صلاحیت سیاسی رئیس جمهور بود. با اینکه مرخصیها را لغو کرده بودم، در اثر غیبت جمعی از لیبرالها، اکثریت ضعیفی داشتیم. تا عصر ساعت پنج‌ونیم، جلسه ادامه داشت. آئین‌نامه تصویب شد.

ماده‌ای در آئین‌نامه با پیشنهاد آقای محمد مجتهدشستری و موافقت من اضافه شد که مشکلی بار آورد. به موجب این ماده رای دوسوم نمایندگان، برای سلب کفایت سیاسی لازم می‌شود. عده‌ای از نمایندگان تند مجلس، با اینکه اکثریتشان رأی به این پیشنهاد دادند، ناراحت شدند؛ چون احتمال ضعیفی وجود دارد که عده‌ای رأی ممتنع بدهند و یا اینکه بیش از یکصد و چهل نفر، پیشنهاد عدم کفایت سیاسی را امضا کرده‌اند، احتمال اینکه رأی لازم را نیاوریم، بوجود آمده؛ می‌خواستند جلسه را به هم بزنند، من مقاومت کردم؛ شاید موافقت من با این ماده از اشتباهات سیاسی من است. خداوند به خیر گرداند، اعوذ بالله.

عصر جلسه هیأت رئیسه داشتیم و برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم و در همین موضوع هم خیلی بحث داشتیم. آقای کیاوش که خیلی عصبانی بود، به آقای قیصر کارمند مجلس، تندی کرد و او قهر نمود و تقاضای بازنشستگی نوشت و رفت.

شب آقای محسن رضائی آمد و خبر داد، کسانی از مخالفان که در گذشته، قصد کودتا داشته‌اند، این روزها فعال شده‌اند و با آقای بنی‌صدر هم تماس گرفته‌اند و زمان را مناسب می‌دانند. سپاه در تعقیب آنان است. آقای بنی‌صدر یک روز است که مفقودالاثراست. احتمالاً در رابطه با همین توطئه باشد. توطئه‌گران از سلطنت طلبان و ملی‌گرایانند و بعضی از اطرافیان آقای بنی‌صدر. با این همه زحمت و خستگی، آخر شب به خانه آمدم.

پنجشنبه ۲۸ خرداد

۱۵ شعبان - ۱۸ ژوئن

امروز تعطیل است و در خانه استراحت می‌کنم، بنا داشتم، برای رسیدگی به وضع زلزله زدگان گلباف کرمان، به آنجا بروم، ولی به خاطر حساسیت وضع مرکز، از این سفر صرف نظر

کردم.

اول وقت، آقای محمدزاده امتیازدار فیلم حضرت محمد (ﷺ) آمد و از اینکه سیمای جمهوری می‌خواهد، بدون موافقت ایشان فیلم را از تلویزیون نمایش دهد، شکایت داشت. امام فتوایی دارند که حق امتیاز را برای مؤلفان و... از اعتبار انداخته و چاره‌جویی می‌کرد؛ مدعی است چهارده میلیون تومان خرج کرده و بیش از هفت میلیون تومان هنوز وصول نکرده است.

افسری آمد و از اینکه دخترش را از وزارت خارجه اخراج کرده‌اند، شکایت داشت. برای عرض تبریک به خدمت امام رفتم. در خصوص فتوای فوق‌الذکر هم صحبت شد. ایشان در مواردی که باعث خسارت کلی به سیاست مملکت نباشد بر همان فتوایتند، ولی اگر عدم مراعات این حق باعث خسارت و سلب اعتماد نیروهای سازنده و خسارت در امور مهمه باشد، مراعات این حق امتیاز را لازم می‌دانند. با مدیر عامل صداوسیما صحبت شد. می‌گویند خیلی بیش از مخارجش سود برده و حق قانونی پخش فیلم را می‌پردازیم.

درباره شورای فرماندهی نیروهای مسلح، با امام صحبت شد. نظرشان این است که فعلاً به همین وضع بماند، تا شخص یا اشخاص مناسبی پیدا شوند. پیشنهاد احمد آقا را دادم. ایشان گفتند احمد در هیچ کاری، نباید وارد شود.

آقایان فلاحی و فکوری را آنجا ملاقات کردم. نگران بودند ولی می‌گفتند، اگر ارتش در جریانات سیاسی دخالتی نکند، بهتر است و از این جهت عزل بنی‌صدر را خوب می‌دانستند. بعد از مدتی حسین آقا خمینی را ملاقات کردم. بی‌روحیه بود. آقای محسن رضائی تلفن کرد و گفت در آذربایجان غربی، دموکراتها شرارت را توسعه داده‌اند و بعضی جاها را گرفته‌اند و حمایت از بنی‌صدر می‌کنند.

بنی‌صدر، همچنان مقفودالاثراست و امام نظرشان این است که نباید از مملکت خارج شود و گفتند، کسی را خدمت ایشان فرستاده و وحشت از اعدام خودش داشته و امام او را دلداری داده‌اند.

اول شب، همراه آقای بهشتی، به دیدن سپاهیان خوزستانی که از خوزستان آمده بودند، به

پارک خرم رفتیم. آخر شب، احمد آقا خمینی تلفن کرد و از اینکه پیام مهم امام^۱ از تلویزیون پخش نشده، شکایت کرد و گفت پیام را در اجتماع مردم در امجدیه خوانده و مردم شعارهای پرشوری علیه بنی صدر و لیبرالها داده‌اند. از آقای لاریجانی توضیح خواستم. گفت برای پاک کردن شعارهای تند، وقت زیادی صرف شد و به برنامه نرسید؛ بعداً پخش می‌شود.

جمعه ۲۹ خرداد

۱۶ شعبان - ۱۹ زون

اول صبح، خانم دکتر منصوریان برای عیادت عفت آمد. قرار گذاشت که فردا عفت را برای عمل در بیمارستان بستری کند. راجع به رفع مشکلی که با دادگاه انقلاب دارد از من کمک می‌خواست.

مقداری به اوراق و اسنادی که بعد از انقلاب در خانه جمع شده رسیدگی کردم و تصفیه و تنظیم نمودم.^۲

آقای رضایی از اطلاعات سپاه آمد و اطلاعاتی در مورد فعالیت ضدانقلاب و اسنادی که از لانه جاسوسی، علیه آقای بنی صدر به دست آمده، گزارشی داد. فعالیت‌های ایشاپور، بختیار، اشرف، رضا پهلوی، فرح پهلوی، احسن انزیه، اویسی و امحسن ایزشکپور و فعالیت‌های عوامل داخلی آنها را در جزوه‌ای تنظیم کرده بودند که با هدایت آمریکا می‌خواسته‌اند، هماهنگ کنند، ولی نتوانسته‌اند.

ظهر به نماز جمعه دانشگاه رفتم، آقای خامنه‌ای در توضیح جرایم و اشتباهات آقای بنی صدر بیانات خوبی داشتند. ظهر عفت و بچه‌ها در خانه نبودند، تنهایی، غذایی که خودم پختم، صرف کردم و خوابیدم.

۱ - پیام امام به مناسبت پانزدهم شعبان (میلاد حضرت مهدی عجل): صحیفه نور - جلد هشتم، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۳، صفحه ۴۹۱

۲ - کلیه اوراق و اسناد مربوط به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی توسط دفتر نشر معارف انقلاب جمع‌آوری شده و تاکنون دهها جلد از این اسناد شامل اسناد ساواک، سخنرانیه‌ها، خاطرات، مصاحبه‌ها و... به چاپ رسیده است. همچنین در سال ۱۳۷۱ دفتر نشر معارف انقلاب، بنا به پیشنهاد روسای دانشگاه ولی عصر، دانشکده علوم پزشکی، پیام نور و تربیت معلم رفسنجان، تصمیم گرفت مرکز فرهنگی در این شهر ایجاد نماید و کلیه اسناد، هدایا، عکسها، اشیاء تاریخی، و نظایر آن به نمایش عموم گذاشته شود. در این مرکز فرهنگی انجیل امضاء شده توسط رونالد ریگان در ماجرای مک‌فارلین، اسلحه‌ای که عوامل فرقان با آن آقای هاشمی را ترور کردند، ماشین تایپ دوران مبارزه روحانیون پس از واقعه ۱۵ خرداد و صدها برگ سند ساواک در مورد آقای هاشمی رفسنجانی، همچنین کفش و عیای اهدائی امام خمینی نگهداری می‌شود.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دائرة دفتري

شماره ۱۲۵۱ / ۲۰۱۶

تاریخ ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۰

موضوع

بجناب

جناب آقای سید ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور

موضوع قانون آذین نامه بررسی عدم تکلیف - ماسر رئیس جمهور که

در جلسه مورخ ۲۷ / ۲ / ۶۰ مجلس شورای اسلامی تصویب

شده و مورد تأیید شورای محترم همکاران قرار گرفته پیوست ارسال

میگردد .

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر قاضی

با زنگ تلفن احمد آقا، از خواب بیدار شدم و همان موضوع فیلم را مطرح می‌کرد. خانم گلناری تلفن زد و گفت سروان آزرین از پادگان ابوذر می‌گوید، تصمیم جدید مبنی بر مرخص نکردن سربازان که مدت خدمتشان تمام شده ایجاد ناراحتی کرده. با اینکه در زمان بنی صدر، تصمیم گرفته شده بعد از ایشان ابلاغ شده و به پای دیگران نوشته می‌شود. پیشنهاد شده که برای تأمین نیروی جبهه‌ها، تصمیم عاقلانه این است که به هر نفر سرباز ماهی دوهزاروپانصد تومان غیر از امتیازات و حقوق - مأموریت جنگی بدهند؛ این بهتر از احضار سربازان قدیم است.

عصر، مقداری با پاسدارها پینگ پنگ بازی کردم. اول شب، مسئولان مدرسه نیکان آمدند و گزارشی از وضع مدرسه دادند و کارنامه مهدی را آوردند. با معدل هفده ونیم قبول شده؛ خوب است.

سپس، آقای فخرالدین حجازی آمد و گزارش از سفر هند داشت و گلایه از عدم بخش گزارش ایشان از رادیو، مسئولان سپاه آمدند و گزارشی از موفقیت سپاه در بندرعباس در قلع و قمع تروریستها داشتند و برای طرح کردن اسناد لانه جاسوسی، درباره بنی صدر در مجلس، مشورت کردند.

شنبه ۳۰ خرداد

۱۷ شعبان - ۲۰ زونن

اول وقت، عفت برای یک عمل جراحی کوچک به بیمارستان ایرانمهر رفت و بستری شد و من به مجلس رفتم. طرح «عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر» در دستور بود. آقای مهندس سبحانی به عنوان اولین مخالف، می‌خواست ایراد آئین‌نامه‌ای به دستور کار بگیرد که موفق نشد، سپس مخالفان و موافقان صحبت کردند. مخالفان حرفی برای گفتن نداشتند. خودشان را هم مخالف بنی صدر قلمداد می‌کردند و هم مخالف عزل او. موافقان هم با اینکه حرف حسابی زیاد داشتند، خوب صحبت نکردند.

جمعیت عظیمی از حزب الهی‌ها در بیرون مجلس جمع شده بودند و خواستار سرعت کار بودند. هنگام تنفس و بعد از ظهر با آنها صحبت کردم.

گروه‌های مجاهدین خلق و پیکار و رنجبران و اقلیت فدایی و... تدارک وسیعی برای ایجاد آشوب و جلوگیری از کار مجلس دیده بودند و به نحوی اعلان مبارزه مسلحانه کرده‌اند. از

ساعت چهار بعد از ظهر به خیابانها ریختند و تخریب و قتل و غارت و آشوب را در تهران و بسیاری از شهرستانها آغاز کردند.

کم کم نیروهای سپاه و کمیته‌ها و حزب اللهی‌ها به مقابله برخاستند. من در مجلس بودم. صدای تیراندازی از چندین نقطه شهر به گوش می‌رسید. خبر از جراحات و شهادت عده‌ای نیز می‌رسید. جمعی از نمایندگان در دفتر من جمع شده بودند.

نزدیک غروب، آقای ارضا زواره‌ای مسئول ستاد امنیت آمد و نوار ضبط شده از ارتباطات تلفنی مرکز فرماندهی مجاهدین خلق با رابطهای آشوب خیابانی را آورد که برنامه وسیع تخریب و آشوب آنها را مشخص می‌کرد.

اوائل شب، آشوبگران شکست خوردند و متفرق شدند، بدون اینکه کار مهمی از پیش ببرند؛ به جز تخریب چند ماشین و مرگ و جرح چند نفر از طرفین. شب را در مجلس ماندم. اولین جلسه شورای ریاست جمهوری به خاطر عدم دسترسی به رئیس جمهور (متواری است) با حضور آقایان بهشتی و رجائی و من - در دفتر من - تشکیل شد. برای امضای آئین‌نامه مصوب مجلس و ضمناً درباره مسائل جاری و آینده ریاست جمهوری هم، تبادل نظر کردیم. از غفت در بیمارستان، تلفنی احوالپرسی کردم. حالش خوب بود.

خبر رسید، خانم بنی صدر را هم بازداشت کرده‌اند. نظر دادیم ایشان را آزاد کنند و در خانه تحت نظر داشته باشند.

یکشنبه ۳۱ خرداد

۱۸ شعبان - ۲۱ ژوئن

چون شب در مجلس خوابیده بودم، اول وقت مشغول مطالعه گزارشات شدم. در خیلی از شهرها هم، آشوب مختصری توسط گروهکها ایجاد شده بود که با دخالت مردم سرکوب گردید. در تهران شانزده نفر کشته و یکصد و پنجاه و شش نفر مجروح، از حوادث دیروز گزارش شده است.

جلسه علنی در ساعت هفت و نیم صبح شروع شد و بحث عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور ادامه یافت. امروز موافقان طرح خیلی خوب صحبت کردند، مخصوصاً آقایان موسوی خوئینی‌ها، سیدعلی خامنه‌ای و مخالفها بعضی منصرف شدند و بعضی غیبت داشتند و بعضی در موافقت صحبت کردند و رئیس جمهور هم که مخفی است، برای دفاع نیامد.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر دس

شماره ۱۲۸۰ / ۱۰ / ۱۳۶۰ هـ

تاریخ ۱۳۶۰ / ۲ / ۲۱

— — —

بیتنا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

محضر شریف حضرت آیت‌العظمی امام خمینی ادام الله ظله

مختصراً "بمعرض میرساند" راهی مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۶۰ / ۲ / ۲۱

پس از بحث و بررسی با حضور یکصد و نود نفر مشروح زیر :

آراء موافق : یکصد و هفتاد و هفت نفر

راهی مخالف : بیست و یک نفر

آراء منقطع : دوازده نفر

در مورد آقای سید ابوالحسن بنی صدر بر این قرار گرفت که "آقای ابوالحسن بنی صدر برای

ریاست جمهوری اسلامی ایران کفایت سیاسی ندارد

بوجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مراتب برای انتخاب تصمیم

بخدمت امام عظیم الشان گزارش میگردد .

بسم الله الرحمن الرحيم

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی

التهان

بزرگواران! اثریست قاطع غایتیست محکم مظهر شرف و سبیدی غیبی باریک

در ادب و حسن بنی صدر بر این است جمهوری اسلامی ایران کفایت سیاسی ندارد

ایشان را در ریاست جمهوری سبیدی ایران غزل نمودم اول تیرماه (۱۳۶۰)

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد از ظهر رأی گرفتیم، عده حاضر ۱۹۰ نفر، رأی در موافقت با عدم کفایت سیاسی ۱۷۷ و مخالف یک رأی متعلق به آقای اصلاح الدین ایبانی نماینده خاف و ممتنع ۱۲ رأی. عده‌ای از مخالفان هم نیامده بودند.

با اعلان رأی مجلس، تظاهرات پرشوری از طرف تماشاچیان و حزب اللهی‌های اطراف مجلس انجام شد و با اصرار آنها، من چند کلمه‌ای با آنها از بالکن مجلس صحبت کردم.^۱ متأسفانه خبر شهادت آقای دکتر چمران در جبهه دهلاویه، حلاوت رأی موافق مجلس را از کامران بیرون برد و اعلان خبر شهادت را تا آخر شب برای اینکه خبر مجلس، تحت‌الشعاع قرار نگیرد، به عقب انداختیم.

عصر، گروهی از عشایر خوزستان با من ملاقات کردند و از خدمات جمهوری اسلامی، برای احقاق حق کشاورزان، تشکر داشتند.

با آقای اولاف پالمر معاون دبیرکل سازمان ملل و فرستاده ویژه ملاقاتی داشتم. پیشنهادی برای خاتمه دادن به جنگ داشت. امتیازی نمی‌خواست. بیرون رفتن بی قید و شرط نیروهای عراق را نپذیرفت، ولی از ما قبول مذاکره می‌خواست، من از موضع قدرت با ایشان صحبت کردم.

نامه اعلان رأی مجلس برای امام تهیه شد. آن را اول شب به دفتر امام بردم و تحویل آقای صانعی دادم. عده‌ای هم آنجا جمع بودند و اظهار خوشحالی می‌کردند.

امروز علیرغم تهدیدهایی که از طرف گروهکها شده بود - که در صورت عزل بنی صدر شهر را به آتش می‌کشند - کوچکترین حرکتی نکردند؛ شاید به علت قاطعیت دادگاه انقلاب - که امروز صبح پانزده نفر از عوامل آشوب را سریعاً محاکمه و مجازات کرده است - و به علت حضور حزب الله.

تیر ۱۳۶۰

www.KetabFarsi.com



دوشنبه ۱ تیر

۱۹ شعبان - ۲۲ ژوئن

اعتبار نامه نماینده‌های کلیبر و گلپایگان در دستور بود. خبر شهادت دکتر چمران را اعلان کردم. خبر اعدام هشت نفر از گروهکهای ضدانقلاب، وحشی در قلب مخالفان انداخته است.

ظهر آقای عباس واعظ طبسی از مشهد آمده بود و با آقای خامنه‌ای به دفتر من آمدند. ایشان برای معالجه در اروپا و کارهای دیگر، قصد مسافرت به خارج را داشت. قرار شد که به وقت دیگر مોકول شود. راجع به اراضی آستان قدس مطالبی داشتند. عصر آقای خزاعی نماینده رشت آمد و برنامه تشییع جنازه و مجلس فاتحه دکتر چمران تنظیم شد. گزارشها را خواندم و مقاومت‌های پراکنده کم اثری از طرف مخالفان به نام حمایت از آقای بنی صدر می‌شود، ولی خیلی ضعیف است و مردم جواب می‌دهند. امام، سریعاً به نامه مجلس جواب دادند و آقای بنی صدر را عزل کردند و سخنرانی موعظه گونه کوبنده‌ای علیه مخالفان، من جمله بنی صدریان و نهضت آزادی نمودند و حمایت لطیفی

۱. متن نامه مجلس و پاسخ امام (ره) به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر شریف حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ادام الله ظله

محترماً به عرض می‌رساند، برای مجلس شورای اسلامی در حثه مورخ ۱۳۶۰/۳/۳۱ پس از بحث و بررسی با حضور یکصد و نود نفر به شرح زیر:

آراء موافق: یکصد و هفتاد و هفت نفر.

رأی مخالف: یک نفر

آراء ممتنع: دوازده نفر

در مورد آقای سید ابوالحسن بنی صدر بر این قرار گرفت که آقای ابوالحسن بنی صدر برای ریاست جمهوری اسلامی ایران، کفایت سیاسی ندارد.

به موجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مراتب برای اتخاذ تصمیم به خدمت امام عظیم‌الشان گزارش می‌گردد.

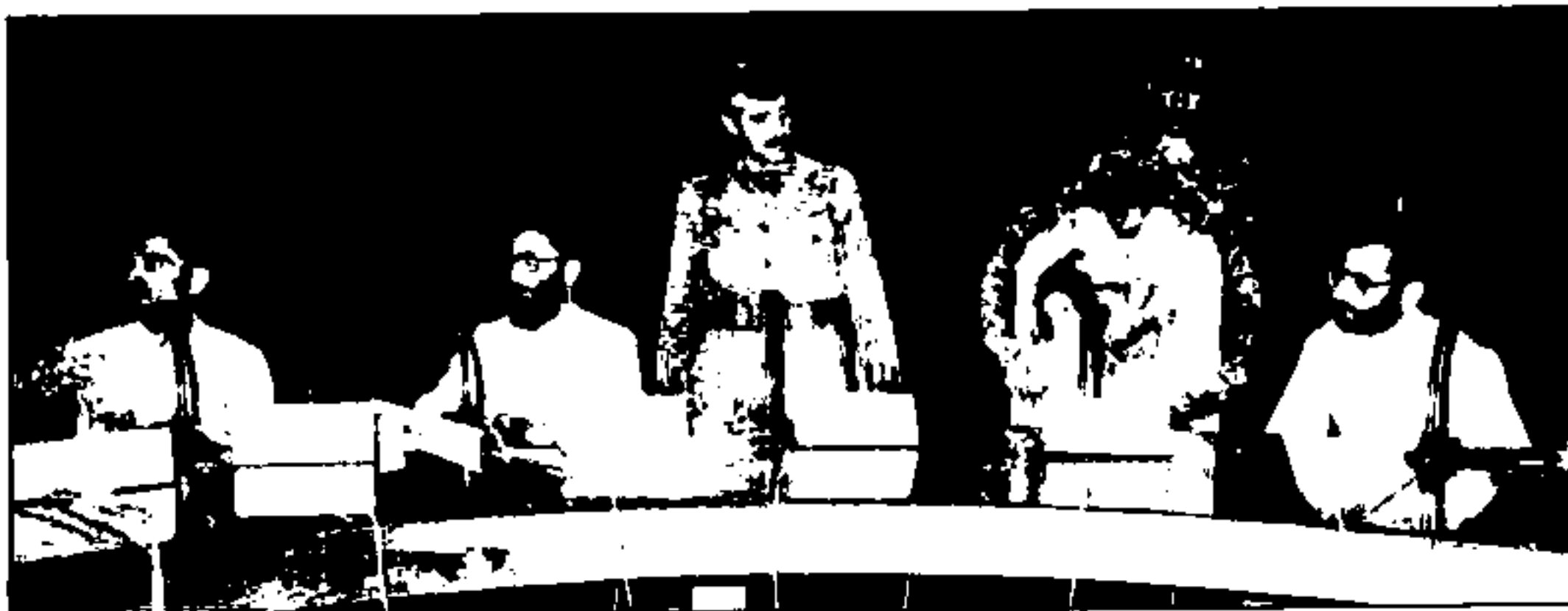
رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسجانی

پاسخ امام:

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از رأی اکثریت قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، مبنی بر اینکه آقای ابوالحسن بنی صدر برای ریاست جمهوری ایران کفایت سیاسی ندارند، ایشان را از ریاست جمهوری ایران عزل نمودم. اول تیرماه (۱۳۶۰) روح الله الموسوی الخمينی



شورای عالی دفاع

دکتر کمال خرازی - جای خالی دکتر چمران - آیت الله خامنه ای - آقای محمد علی رجائی



دکتر مصطفی چمران

از مجلس^۱ عصر برای اصلاح سرزودتر به خانه آمدم.

شب با حضور آقایان بهشتی، خامنه‌ای، احمدآقا و اواعظ‌اطبسی در منزل من جلسه مشورتی داشتیم. درباره رئیس جمهور آینده، سرپرست صداوسیما، نخست وزیر، اعضای شورای عالی دفاع، شورای فرماندهی کل قوا و درباره مراقبت بیشتر پزشکی از حال امام، مشورتی شد؛ مفید بود.

اطلاع دادند که ضد هوایی‌های نخست وزیری را جمع می‌کنند. اقدام مشکوکی به نظر رسید. آقای خامنه‌ای، تماس گرفتند، تأیید شد. ایشان ممانعت کردند. خبر فتح ما در آبادان و باز شدن جاده آبادان - ماهشهر، بعد از بیست ماه از اخبار خوب بود. مرگ آقای محمدتقی کمالی نیا، نماینده قوچان در ریزش ورزشگاه خیابان حافظ، سخت متأثرمان کرد.

سه شنبه ۲ تیر

۲۰ شعبان - ۲۳ ژوئن

اول وقت، جنازه شهید چمران را به مجلس آورده بودند، برای تشییع. به خانواده‌اش تسلیتی گفتم. در جلسه علنی اعتبارنامه آقای بهروزیه نماینده کلیر مطرح بود. اعتبارنامه تصویب نشد. جلسه را برای شرکت در تشییع جنازه شهید، تعطیل کردیم. جنایه آقای محمدتقی کمالی نیا نماینده قوچان را هم که دیروز در حادثه ریزش سقف ورزشگاه نصیری کشته شده بود، آوردند. جمعیت عظیمی برای تشییع، جمع شده بودند. من چند کلمه‌ای صحبت کردم و جمعیت حرکت کرد^۲. به دفترم برگشتم.

خبرنگار لوموند - اریک رولو - آمد و مصاحبه‌ای درباره عزل آقای بنی صدر و انتخابات

۱. اشاره به سخنان امام خمینی در جمع اعضای بسیج جمعیتی شهر، دفتر تبلیغات قم و گروهی از پرسنل پایگاه چهارم نیروی هوایی که فرمودند: «این مجلس، یک مجلس است که در مقابل این امور انحرافی ایستاده است. این مجلس در دست هیچ حریفی نیست، در دست هیچ گروهی نیست. اکثریت این مجلس انحصار مستغنی هستند که خودشان فکر می‌کنند و خودشان عمل می‌کنند. آنها انحرافات را در نظر می‌گیرند و رضای خدا را در نظر می‌گیرند. و با رضای خدا می‌خواهند راه را به آخر برسانند و بعد که انحلال یک همچو معنی را می‌خواهید، می‌داید چه می‌کنید؟ عاقل هستید شما آدم‌های تحصیل‌کرده متدین، شما را عاقل کردند نیامین؟... (صحیفه نور - جلد ۸ - سازمان ملل و فرهنگ انقلاب اسلامی، جلد دوم)

۲. کتاب: هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌ها، سال ۱۳۶۰.

ریاست جمهوری و... انجام داد^۱.

عصر در جلسه فاتحه شهید دکتر چمران که از طرف مجلس برگزار می شد، در مسجد شهید مطهری، شرکت کردم. آقای خامنه‌ای سخنرانی داشتند.

اول شب، در شورای عالی ادفاع به عنوان نماینده در شورای موقت ریاست جمهوری^۲، شرکت کردم. آقای فلاحی، وضع جبهه‌ها و طرحهای آینده را گفت؛ رضایت بخش است. و تصمیماتی گرفتیم.

آخر شب، در جلسه مشورتی هفتگی با آقایان خامنه‌ای، بهشتی، باهنر، رجائی و بهزادنبوی شرکت کردیم و تصمیماتی گرفتیم و جلسه شورای ریاست جمهوری را هم تشکیل دادیم. درباره کار آینده، انتخابات ریاست جمهوری و... تصمیماتی اتخاذ شد. شب را در نخست وزیری خوابیدم.

چهارشنبه ۳ تیر

۲۱ شعبان - ۲۲ زونن

صبح زود به دفترم آمدم. جلسه علنی داشتیم. ساعت ده صبح جلسه را تعطیل کردیم، ولی جلسه هیأت رئیسه تا بعدازظهر، ادامه داشت. برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم. برای حفاظت نمایندگان - در حالی که احتمال ترور زیاد است - تصمیماتی گرفتیم.

عصر نماینده شورای اسلامی پزشکان آمریکا با نماینده فلسطین در ایران آمد. اظهار حمایت مسلمانان خارج، از انقلاب ایران را داشت.

رئیس صلیب سرخ جهانی آمد و درباره اسرای ایرانی و عراقی، گزارشی داشت. از رفتار ما با اسرای عراقی راضی بود و از رفتار عراقیها با اسرای ما ناراضی؛ از وضع زندانهای داخلی گفت و ایرادهای جزئی و کوچکی داشت، ولی به طور کلی، راضی بود.

از عفت - که عمل جراحی کرده - احوالپرسی کردم. شب زودتر به خانه آمدم. به علت خستگی در جلسه ستاد امنیت شرکت نکردم.

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲ - مطابق قانون اساسی در نبود رئیس جمهور شورای موقت ریاست جمهوری تشکیل می شود. بعد از عزل بنی صدر، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله موسوی اردبیلی و آقای محمد علی رجائی طبق قانون، شورای موقت ریاست جمهوری را تشکیل

شب مصاحبه دادستان و حاکم شرع دادگاه انقلاب تهران را درباره مبارزه با ضدانقلاب از تلویزیون دیدم^۱. جالب نبود. تند، کم محتوا و بی توجیه حرف زدند.

پنجشنبه ۴ تیر

۲۲ شعبان - ۲۵ ژوئن

اول وقت، دو روز نوشتن خاطرات را که تأخیر انداخته بودم، جبران کردم. سپس به فرودگاه رفتم و با هواپیمای کوچک فالکن، همراه پاسداران، قاطی، مهدی و یاسر، به طرف کرمان به منظور رسیدگی به وضع زلزله زدگان گلباف کرمان، حرکت کردیم. ساعت ده در فرودگاه کرمان بودیم. جمع زیادی از عناصر انقلابی شهر، به استقبال آمده بودند. سخنرانی کوتاهی پس از خیرمقدم گفتن آنان انجام دادم^۲.

با دو هلیکوپتر با همراهان به گلباف رفتیم. شهر کوچکی با حدود پانزده هزار جمعیت، که تقریباً تمام ساختمانها یا به کلی ویران شده و یا غیر قابل سکونت. خوشبختانه اغلب خانهها در حیاط خودشان، درخت دارند و لذا چادرهایی در همان محیط نصب شده و مردم به آسانی، اسکان یافته‌اند.

مردم زیادی در اطراف من جمع شدند و شعارهای سیاسی - من جمله علیه بنی صدر - می دادند. کمکهای مردم، خیلی زیاد است. اعلان کرده‌اند، دیگر کمک نفرستند، به جز پول برای ساختن منازل. در محل ستاد کمک‌رسانی، برای مردم صحبت کردم^۳. چند نفری شکایات جزئی داشتند که اکثراً غیر واقع بینانه بود.

ناهار را در منزل آقای مرتضی فهیم، قاضی شرع و کاندید وکالت مجلس که فردا باید رأی‌گیری شود، بودیم؛ مخصوصاً چنین برنامه‌ای چیده بودند که تبلیغی به نفع ایشان باشد! عصر، در استانداری با مسئولان جلسه‌ای داشتیم و درباره وضع استان و نیازها و برنامه سازندگی گلباف، بحثهای مفیدی شد و من هم کلیاتی درباره مسائل مطروحه گفتم. سپس، از انبار ستاد کمک‌رسانی، دیدن کردم. اجناس زیادی جمع شده بود و انبارها مملو بود. مردم

۱ - دادستان انقلاب تهران آقای سیداسدالله لاجوردی و حاکم شرع دادگاه انقلاب تهران آیت‌الله محمدی گیلانی بودند.

۲ - متن این سخنان پس از جستجوی زیاد، به دست نیامده است. از افرادی که در این سخنرانی حضور داشتند و یا اینکه نوار آن را در اختیار دارند، درخواست می‌شود با صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ دفتر نشر معارف انقلاب مکاتبه نمایند.

۳ - متن این سخنان پس از جستجوی زیاد، به دست نیامده است. از افرادی که در این سخنرانی حضور داشتند و یا اینکه نوار آن را در اختیار دارند، درخواست می‌شود با صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ دفتر نشر معارف انقلاب مکاتبه نمایند.

خیلی خوب عمل می‌کنند. مصاحبه‌ای با تلویزیون کرمان کردم^۱. سپس، در جمع اعضای حزب جمهوری اسلامی در محل حزب، شرکت کردم و به خواستهای آنان گوش دادم و سخنرانی کوتاهی در فواید ن حزب و تشکیلات و شرایط و وظائف حزب اسلامی ایراد کردم، نماز را با جماعت با آنها خواندم و جلسه خصوصی با سران حزب کرمان داشتیم. اصرار داشتند که یک فرد روحانی پیرو خط امام به کرمان فرستاده شود. از امام جمعه گله داشتند.

شب، به رفسنجان آمدم، در خانه آقای شیخ محمد هاشمیان مهمان بودیم. والده و جمعی از اقوام و بستگان هم از نوق آمدند.

جمعه ۵ تیر

۲۳ شعبان - ۲۶ ژوئن

از صبح تا ظهر در منزل آقای شیخ محمد هاشمیان در رفسنجان نشستم و جمعی از بستگان و آشنایان به ملاقات آمدند و مطالبشان را مطرح کردند. ظهر در نماز جمعه شرکت کردم. احساسات مردم خیلی خوب بود و به طور اغراق آمیز از من ستایش شد. از این ستایشها خوشم نمی‌آید.

سخنرانی مفصلی در ماهیت اختلافاتمان با آقای بنی صدر کردم و افشاگریهایی نمودم^۲. فکر می‌کنم روشنگر و مفید باشد.

عصر به طرف بهرمان نوق، روستای مسقط الرأس خودم، حرکت کردم. در بین راه اهالی اسماعیل آباد و فردوسیه اجتماع کرده بودند، برای استقبال ناچار برای تشکر صحبت کردم^۳. غروب به سه قریه (بهرمان، نعمت آباد و قاسم آباد) رسیدیم. این سه روستا را که به هم متصل است، سه قریه نام نهاده‌اند. استقبال پرشوری نمودند و شعارها علیه بنی صدر بود. نماز جماعت خوانده شد و من سخنرانی کردم^۴.

ابتدا به منزل والده که منزل پدری ماست، رفتم. شام را در منزل آقای قاسم صفریان مهمان بودیم. جمع زیادی را شام دادند و شام مفصلی بود. آخر شب به کرمان رفتیم. قرار بود

۱- کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲ و ۳- متن این سخنان پس از جستجوی زیاد به دست نیامده است. از افرادی که در این سخنرانی حضور داشتند و یا اینکه با آن را در اختیار دارند، درخواست می‌شود با صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۶۶۴۸ دفتر نشر معارف انقلاب مکاتبه نمایند.



درکنار مادر



منزل پدری در میان اقوام و جمعی از اهالی نوب

در منزل آقای سید حسین مرعشی - عضو شورای جهاد - بخواییم. آدرس دقیق نداشتیم، به منزل آقای فهیم رفتیم و حدود ساعت یک بامداد، خوابیدیم.

شنبه ۶ تیر

۲۲ شعبان - ۲۷ ژوئن

صبح زود، آماده رفتن به جیرفت و کهنوج شدیم. به پادگان هوانیروز رفتیم. مقداری با پرسنل صحبت کردیم و سوار هلی کوپتر شدیم. پس از کمی انتظار پرواز برج مراقبت اعلان کرد که هوا برای پرواز مساعد نیست. ناچار برگشتیم. همافران و خلبانها جمع شدند و برایشان سخنرانی کردم و توضیحات کاری و روشنگری که موثر و مفید است. سپس پایگاه را بازدید کردیم و در جمع سربازان هم کمی صحبت کردم.

برای دیدن معادن ذغال سنگ، عازم زرند شدیم. ناهار را در اداره معادن زرند خوردیم، جمعی از مردم در مدخل شهر به استقبال آمده بودند و نماز را در مسجد کارخانه خواندیم و قول گرفتند که ساعت سه در مسجد جامع برای مردم صحبت کنیم.

به معادن باب نیزو رفتیم. لباس کار پوشیدیم و با آسانسور به عمق سیصد و پنجاه متری زمین رفتیم. تونلهای ذغال را که اعجاب انگیز بودند بازدید کردیم. ضمناً به خواسته کارگرها - که اکثراً رفاهی است - گوش دادیم. ساعت سه از چاه بیرون آمدیم.

سروان سجادی فرمانده ژاندارمری، خبر سوء قصد به جان آقای خامنه‌ای را همراه با بشارت نجات ایشان داد. گفت: بمبی در ضبط صوت کار گذاشته و در مسجد اباذر روی میز خطابه ایشان گذاشته‌اند. یک لحظه دنیا در نظرم تاریک شد. همراهان متوجه از دست رفتن تعادل من شدند و شاید به همین جهت، سروان سجادی توضیحات امیدوارکننده‌ای داد و به خود آمدم که پس از عزل بنی صدر، ما بایستی ضوابط امنیتی را بهتر مراعات کنیم. همین نحوه سفر من و حضور غیر محتاطانه آقای خامنه‌ای در مسجد اباذر، از این بی احتیاطی‌ها است.

فوراً به شهر آمدیم و سخنرانی کوتاهی در مسجد جامع زرند در انبوه جمعیت نمودم و به طرف کرمان حرکت کردیم. در بین راه اهالی روستاها اجتماع کرده و ابراز احساسات می‌کردند و کمی برایشان صحبت کردم. مردم خانوک بلندگو هم آورده بودند. در جاده بیشتر صحبت کردم. ساعت شش بعد از ظهر به فرودگاه رسیدیم. هواپیما عیبی داشت. مدتی معطل



شدیم، تا رفع شد و سپس پرواز کردیم. در فرودگاه، مصاحبه‌ای با رادیو کرمان داشتم^۱. ساعت هشت شب به تهران رسیدیم. مستقیماً به بیمارستان قلب رفتم و از آقای خامنه‌ای عیادت کردم. دکترها گفتند هفتاد درصد خطر رفع شده، خونریزی زیاد شده. دست راست ایشان با قطع عصب از کار افتاده است، بعداً باید پیوند شود. عروق و اعصاب ناحیه راست سینه قطع شده، برای قطع خونریزی، ایشان را به اتاق عمل بردند و من به خانه آمدم. عفت هم از بیمارستان به خانه آمده و حالش بد نیست. خیلی خسته بودم، زود خوابیدم. ولی در اثر اندوه و غم و نگرانی از حال آقای خامنه‌ای، مدت طولانی بیدار بودم و سعی می‌کردم، نگرانیم را مخفی کنم.

یکشنبه ۷ تیر

۲۵ شعبان - ۲۸ ژوئن

اول وقت، دو روز خاطرات را نوشتم و ساعت شش ونیم به بیمارستان قلب رفتم. حال آقای خامنه‌ای، رضایت‌بخش بود. من را شناختند. کمی راحت شدم. به مجلس رفتم. طرح احزاب را در دستور داشتیم. پنج ماده از آن تصویب شد^۲. ظهر جمعی از علمای کردستان آمدند و از من برای رفع فشار از کردستان و کمک به علما و آزادی چند زندانی کمک می‌خواستند. با توجه به خطرات احتمالی به نمایندگان و محافظان، تأکید زیادی برای محافظت نمودم.

بعد از ظهر، در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. بحثهای مهمی در دستور بود. از بیمارستان قلب خواسته بودند، برای مشورت راجع به مسائل مربوط به معالجه آقای خامنه‌ای، کسی از مسئولان به آنجا برود. پس از جلسه شورا، برای بررسی وضع آقای خامنه‌ای، اول شب به عیادت آقای خامنه‌ای رفتم، حالشان بهتر بود. در وضع محافظت و سایر مسائل بحث شد. شب با احمد آقا خمینی در منزل قرار داشتم، به منزل آمدم. آقای موسوی خوئینی‌ها هم آمد. درباره ریاست جمهوری بحث کردیم.

۱ - کتاب «هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰».

۲ - مجلس شورای اسلامی، به منظور مشخص ساختن حدود فعالیت احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی - صنفی و انجمنهای اسلامی، لایحه‌ای را به تصویب رسانید که به موجب آن هر گروهی که قصد فعالیت آزاد سیاسی را داشته باشد، باید در نشریات، اجتماعات و فعالیتهای دیگر خود از ارتکاب مواردی از قبیل نقض استقلال کشور، دریافت کمک از بیگانگان، نقض آزادیهای دیگران، افترا - نهمت، شایعه، اختفاء اسلحه و ... خودداری ورزد.

از دفتر امام، آقای صانعی تلفن کرد و خبر داد که در دفتر حزب جمهوری اسلامی، بمبی منفجر شده و عده‌ای شهید شده‌اند، وحشت کردیم. جلسه مشترک نمایندگان و مسئولان اجرایی حزب بود.

در تلفتهای بعدی اطلاع رسید که بمب در همان سالن در حال سخنرانی آقای بهشتی منفجر شده. در حالی که نزدیک به یکصد نفر از افراد مؤثر مملکت حضور داشته‌اند و ساختمان ویران شده و همگی زیر آوار رفته‌اند و مشغول بیرون آوردن شهدا و مجروحان هستند. با تلفنها، خبرها در همه شهر منتشر شد. تا ساعت دو بعد از نصف شب بیدار ماندم و مرتباً خبر می‌گرفتم. خبرها وحشتناک بود و حاکی از شهادت دهها نفر و بالاخره خبر شهادت آقای دکتر بهشتی کمرم را شکست اگرچه خبرهای ضد و نقیض روزنه‌ای برای امید باز می‌گذاشت. فقط چند لحظه‌ای خوابیدم.

فاطمی تا صبح بیدار بود و جواب تلفن می‌داد و گریه می‌کرد. عفت هم کم خوابید. طلوع فجر، نماز صبح را خواندم و برای تصمیم‌گیری درباره بحران موجود به نخست‌وزیری رفتم. آقایان رجائی، مهدوی، باهنر، موسوی اردبیلی و بهزاد نبوی هم بودند.

دوشنبه ۸ تیر

۲۶ شعبان - ۲۹ ژوئن

در جلسه طولانی مشورتی، کیفیت اعلان فاجعه، پیامها و اقدامات فوری را مورد مشورت قرار دادیم و تصمیمهایی گرفتیم. گزارشها نشان می‌داد که بیش از شصت نفر شهید و بیش از بیست مجروح داریم. پیامی رادیوئی دادم^۱. به مجلس رفتم، عده‌ای از نمایندگان جمع شدند و سخت متأثر بودند. قرار شد هر چه زودتر مجلس را دایر کنیم. دو روز تعطیل عمومی و یک هفته عزای عمومی اعلام نمودیم.

ساعت هشت و نیم صبح با آقایان |محمد رضا| مهدوی| اکنی|، |اکبر| پرورش|، رجائی و موسوی اردبیلی خدمت امام رسیدیم. امام متأثر بودند و ما را دلداری دادند. رئیس دیوان عالی کشور و دادستان را تعیین کردند و از ما خواستند زودتر کابینه را ترمیم و مجلس را فعال کنیم،

۱ - آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بعدها در مقاله‌ای احساسات و نظرات خود را در مورد این فاجعه دلخراش به رشته تحریر در آوردند که در انتهای این کتاب نیز بخش مهمی از آن با عنوان روایت هجران آورده شده است.

۲ - کتاب آ‌هاشمی رفسنجانی - پیامها ۱۳۶۰.



حسرت شهادت دکتور بهشتی کمره رانشکست



که کارها عادی باشد.

قرار شد، آقای رجائی برای ریاست جمهوری کاندیدا شود. من پیشنهاد کردم دولت بماند و آقای خامنه‌ای کاندیدای ریاست جمهوری شوند. امام صلاح ندانستند و معتقد بودند، روحانی نباشد، بهتر است؛ در گذشته هم به همین دلیل نامزد روحانی برای ریاست جمهوری نداشتیم. البته وضع جسمی آقای خامنه‌ای در اثر سوء قصد هم، مانع دیگری بود.

قرار شد، آقای سرهنگ نامجو نماینده امام در شورای عالی دفاع - به جای دکتر چمران - انتخاب شود. به نخست وزیری برگشتم و در جلسه ستاد امنیت شرکت کردیم. درباره کیفیت برخورد با آشوبگران و ضدانقلاب، مشورت شد. بعد از ظهر اعضای شورای عالی قضائی هم آمدند. کمی استراحت کردم و به مجلس برگشتم.

در مجلس، نمایندگان جمع شدند و درباره تشییع جنازه‌ها و حمل اجساد شهدا و تشکیل جلسه علنی، بحثهایی کردیم.

عصر، اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری آمدند و برای جبران نیروهای از دست رفته حزب، تصمیماتی اتخاذ شد.

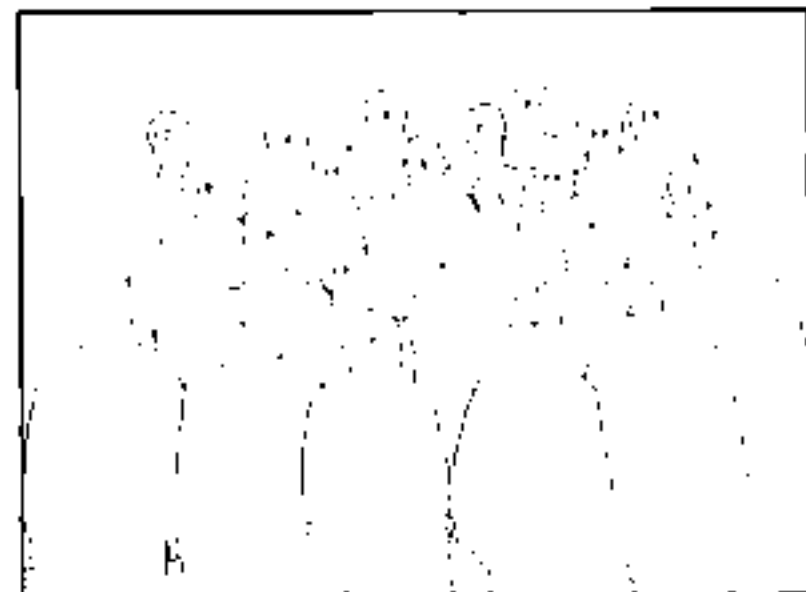
آقای باهنر به جای آقای بهشتی، به عنوان دبیر کل انتخاب شدند. خبری دادند که حادثه انفجار بمب، می‌تواند به دست یکی از عوامل ضدانقلاب که در حزب نفوذ کرده، انجام شده باشد. او فعلاً متواری است. ده دقیقه قبل از انفجار به بهانه‌ای از دفتر حزب به طور مرموز بیرون رفته است.

شب را در مجلس خوابیدم. آقای باهنر هم در مجلس ماند. مهندس امیرحسین اموسوی آمد و جریان مفقود شدن [محمد رضا] کلاهی و احتمال عامل انفجار بودنش را مطرح کرد. به عنوان بستنی خریدن قبل از انفجار فرار کرده است^۱. روزها و ساعات و بلکه لحظات سختی را می‌گذاریم و صبر و متانت و اتکاء به خدا سرمایه مهمی است. حضور مؤثر امام و راهنمایی‌های به موقع، کارگشا است.

۱ - محمد رضا کلاهی فرزند حسن متولد ۱۳۳۸ به شماره شناسنامه ۱۲۵۱ دانشجوی سال اول رشته برق دانشگاه علم و صنعت ایران و دارای دیپلم ریاضی از دبیرستان باعداد بود. وی لحظاتی قبل از انفجار و پس از جاسازی بمب در سطل زباله نزدیک محل سخنرانی دکتر بهشتی، ساختمان را ترک کرد.



- ۱۷ - محمد ناقر سجائی سرپرست سازمان امور اداری
- ۱۸ - حسن سادات سرپرست وزارت نفت
- ۱۹ - حسن شهبانسی سرپرست سازمان بهر سیر
- ۲۰ - فریدون سجائی رئیس سازمان انرژی اتمی
- ۲۱ - محمد رضا عصب زاده وزیر صنایع و معادن
- ۲۲ - محمود احمدزاده وزیر مشاوری و سرپرست صنایع فولاد ایران
- ۲۳ - محمود مقدم سرپرست وزارت نیرو
- ۲۴ - محسن نوربخش رئیس کل بانک مرکزی



- ۱ - جواد فکوری وزیر دفاع
- ۲ - حسن عارفی وزیر علوم و فرهنگ و هنر
- ۳ - حسین طارمی نمانده دولت در مذاو سیما
- ۴ - محمد علی رجائی نخست وزیر
- ۵ - حسن نمازی وزیر اقتصاد و دارایی
- ۶ - هادی مسافی وزیر بهداشت و درمان
- ۷ - احمد امیری سرپرست وزارت راه و ترابری
- ۸ - محمد رضا مهدوی کنی وزیر کشور
- ۹ - محمد میر محمد صادقی وزیر کار و امور اجتماعی
- ۱۰ - محمد سلامی وزیر کشاورزی
- ۱۱ - عباس دوزدورانی وزیر ارشاد اسلامی
- ۱۲ - میر حسین موسوی وزیر امور خارجه
- ۱۳ - محمد جواد باهنر وزیر آموزش و پرورش
- ۱۴ - موسی حیر رئیس سازمان برنامه و بودجه
- ۱۵ - محمد اصغری وزیر دادگستری
- ۱۶ - غلامحسین دلجو سرپرست وزارت پست و تلگراف و تلفن

سه شنبه ۹ تیر

۲۷ شعبان - ۳۰ ژوئن

اول صبح در مجلس، تعدادی از آیات سوره آل عمران، در رابطه با جنگ احد را مطالعه کردم که خیلی شبیه شهدای پریشب بودند، آقای بهشتی، حمزه و دیگران [سپاه اسلام] جلسه هیأت رئیسه داشتیم. معلوم شد، تاکنون بیست و هفت نماینده شهید شده‌اند^۱ و بقیه شهدا تا هفتادوسه نفر از اعضای دستگاه قضائی و دولت، (چهار وزیر و عده‌ای معاون) و اعضای حزب جمهوری اسلامی بوده‌اند. نه مجروح نماینده در بیمارستانها داریم^۲.

مردم از صبح زود برای تشییع جنازه شهدا، در اطراف مجلس جمع شده بودند و عزاداری می‌کردند. آقای محمد رضا بهشتی [فرزند شهید دکتر بهشتی] به دفتر من آمد و پس از بحث زیاد، بالاخره تصمیم گرفته بودند که ایشان را در بهشت زهرا دفن کنند. نه به اصفهان و نه به قم ببرند. تصمیم عاقلانه‌ای است.

ساعت هشت صبح از بالکن مجلس، برای جمعیت انبوه و کم نظیر مردم به مدت یک ساعت سخنرانی کردم^۳. احساسات مردم عجیب بود و جمعیت به طرف بهشت زهرا حرکت کرد. نمایندگان مجلس، با اعجاب از سخنرانی من، تمجید کردند و می‌گویند، تأثیر زیادی در تقویت روحیه نیروهای انقلاب و یأس دشمنان دارد. تسلط برخوردارم با این همه مصیبت و خطر و کار برایشان، مهم بود.

مخبران می‌گویند، پس از پیروزی انقلاب چنین جمعیتی سابقه نداشته. در اثر ازدحام تا غروب، بسیاری از جنازه‌ها منجمله جنازه آیه‌الله بهشتی را نتوانستند به قبرستان برسانند.

۱- از منی نمایندگان مجلس که در جلسه ۷ تیر به شهادت رسیدند، به این شرح است:

۱- دکتر شمس الدین حسینی نماینده بائیر - ۲- عباسعلی باطنی بوری - نور - ۳- محمد حواد شرامت - نوشهر - ۴- دکتر علامرضا دانش - تفرش - ۵- سید فخرالدین رحیمی - ملاوی - ۶- محمد حسین صادقی - درود - ۷- سید نورالله طباطبائی نژاد - اردستان - ۸- عبدالوهاب قاسمی - ساوری - ۹- دکتر عبدالمجید دیانمه - مشهد - ۱۰- عباس حیدری - نوشهر - ۱۱- علیرضا چراغزاده دره‌قوی - رامهرمز - ۱۲- حبیب‌الاسلام طیبی - سغزیر - ۱۳- مریم‌زاد شهریاری - رودرزان - ۱۴- محمد منتظری - نجف آبادی - ۱۵- سید محمد کاظم دانش - اندیمشک و نوش - ۱۶- رحمان اسنکی - شهرکرد - ۱۷- علی اکبر دهقان - تربت حام - ۱۸- غلامحسین حقانی - بندرعباس - ۱۹- دکتر قاسم صادقی - مشهد - ۲۰- عبدالدین کریمی بیژنی نژاد - نوشهر - ۲۱- دکتر سید محمد باقر لوانانی - تهران - ۲۲- دکتر سید رضا پاک نژاد - یزد - ۲۳- سید الله عبدالکریمی - لنگرود - ۲۴- مهدی خبیری لاری - لارستان - ۲۵- محمد علی حیدری - نهاوند - ۲۶- سید محمد تقی حسینی طباطبائی - زابل - ۲۷- علی هاشمی سجانی - اراک

۲- تعدادی از نمایندگان مجروح عبارت بودند از: فردوسی پور، باغانی، مروی، ایرج صفائی دزقوایی، نجفی، ابراهیم تاج گروان

۳- کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.

فاطی از بهشت زهرا آمد و خبر داد مردم چند تروریست را در آنجا، با نارنجک و اسلحه بازداشت کرده اند.

اعضای شورای قضائی و آقای مهدوی اکنی به دفتر من آمدند و تصمیماتی درباره انتخابات اتخاذ شد. ظهر آقای رجائی به دفتر من آمد و ناهار را با هم خوردیم و درباره مسائل جاری مشورت کردیم.

مهندس [عزت الله] سعایی آمد و درباره تغییر موضع نهضت آزادی و از تمایل آقایان دکتر ابدالله سعایی و مهندس امهدی بازارگان به مجلس صحبت کرد. قرار شد امنیت و احترامشان را تأمین کنم و آنها فردا به مجلس بیایند و قهر را بشکنند.

عصر از محل انفجار بمب و سالن مغروبه حزب، دیدار کردم. حال عجیبی داشتم. سپس به عیادت مجروحان در بیمارستان طرفه و عیادت از آقای خامنه ای رفتم، حالشان خوب تر شده، ولی اطمینان بخش نیست و به خصوص که نمی دانم، ضربه سنگین روحی و عاطفی خبر شهادت آن همه همسنگر را چگونه تحمل خواهند کرد. خدا رحم کند. هنوز از شهادت دوستان خبر ندارد و توصیه می کردند که تحفظ کنند. سری به منزل آقای بهشتی زدم. زودتر به خانه آمدم. تظاهرات عجیب تمام کشور را - از تلویزیون - تا ساعت دوازده شب، تماشا کردم و تسکین بود.

چهارشنبه ۱۰ تیر

۲۸ شعبان - ۱ جولای

ساعت شش صبح - یک ساعت قبل از جلسه علنی - به مجلس رفتم، زیرا صبح زود، اطلاع رسیده بود که ضد انقلاب، برنامه خرابکاری در مجلس دارد. از سپاه و ارتش و شهربانی، متخصص آمدند و همه جا را تفتیش کردند و مراقبت کامل برای امنیت نمایندگان به عمل آمد. نگران عدم تشکیل مجلس، به خاطر کمبود از حد نصاب لازم بودم. خوشبختانه با یک ساعت تأخیر، نصاب حاصل شد و جلسه علنی رسمیت یافت. موفقیت بزرگی به حساب می آید. چون بیست و هفت نفر نماینده شهید داشتیم و نه نفر مجروح. گرچه جمعی از مجروحان از بیمارستان به مجلس آمدند، برای رفع کمبود و این عمل خود اثر مهمی داشت و دو نفرشان هم از تریبون صحبت کردند. آقایان باغانی و مروی نمایندگان مشهد و سبزوار - اما رسیدن به موقع ده نماینده جدید، مشکل گشا شد. بعضی ها صدای زنگ اعلان رسمیت

مجلس را اعلان شکست ضدانقلاب تعبیر کردند چون هدف آنها از کار انداختن قوای سه گانه بود.

تمام وقت پیش از دستور، صرف صحبت‌هایی شد که همگی درباره شهادت هفتاد و دو نفر از بهترین همفکران و انقلابیون مسلمان در انفجار بمب در دفتر حزب جمهوری اسلامی بود. خیلی بجا و به موقع و مؤثر. بقیه جلسه صرف مراسم تحلیف نمایندگان جدید و اصلاح لایحه معاملات مسکن و ارجاع اصلاحیه انتخابات به کمیسیون داخلی برای تصویب شد. روی هم رفته جلسه بسیار مفید و سازنده‌ای شد.

بعد از ظهر، جلسه هیأت رئیسه داشتیم. درباره دستور هفته آینده و امنیت نمایندگان و کمک مالی به خانواده‌های شهدا، بحث و اتخاذ تصمیم داشتیم.

سپس، جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری در دفتر من تشکیل شد؛ درباره ترمیم شورا که هفت عضو در فاجعه انفجار بمب شهید شده بودند و انتخابات میان دوره‌ای بحث کردیم. احمد آقا تلفن کرد و گفت امام، اقامه نماز جمعه تهران را در دوره نقاهت آقای خامنه‌ای به عهده من گذاشته‌اند.

شب در دفتر من، جلسه شورای موقت ریاست جمهوری با حضور آقایان رجائی و اموسوی اردبیلی داشتیم. در مورد تقویت اطلاعات کشور و تأمین امنیت و مطالب جاری کشور بحث کردیم. با آقای منتظری تلفنی صحبت کردم، به ایشان تسلیت دادم و مشورت‌هایی نمودم.

دیر وقت به خانه آمدم. عفت تنها بود، یاسر و مهدی خواب بودند و فاطمی و فائزه هم در خانه نبودند. نامه محسن رسیده بود، خواندم و خوشحال شدم. شام نیمروی تخم مرغ داشتیم، بد نبود. ولی اصلاً میل به غذا نداشتم. خدا را شکر کردم که صبرم تمام نشده، مدتی قدم زدم و به عمق فتنه و مصائب فکر کردم؛ از دست دادن این همه نیروی ارزنده و کارساز، وضع حال و جسم نامساعد آقای خامنه‌ای که نقش بسیار سازنده، در وضع مشکلات انقلاب ایفاء می‌کردند. کسالت و سالخوردگی امام و شرایط پیچیده جنگ.

پنجشنبه ۱۱ تیر

۲۹ شعبان - ۲ جولای

بعد از آسیب دیدن آقای خامنه‌ای، امام من را مأمور اقامه نماز جمعه فرموده‌اند. برای برگزاری نماز جمعه از تحریرالوسیله^۱ قدری مسائل نماز جمعه را مطالعه نمودم. سپس به ملاقات آقای خامنه‌ای به بیمارستان رفتم. برخلاف انتظار، ایشان را بی حال دیدم. معلوم شد دیشب ریه‌های ایشان را مایعات ناشی از تزریق خون، زیاد ناراحت کرده و تنفس مصنوعی به ایشان می‌دهند، دکترها اطمینان دادند که خطری در پیش نیست و در این گونه موارد، چنین وضعیتی طبیعی است.

ساعت ده به مجلس رفتم. آقای انصاری نماینده نیشابور آمد و در مقابل مزاحمتی که علیه ایشان در نیشابور از طرف بعضی از مردم شد، استمداد می‌کرد، معتقد بود که حزب جمهوری اسلامی محرک است.

آقای دکتر علی اکبر اولابی آمد و درباره کمیسیون پزشکی که برای امام تنظیم شده، صحبت کرد. قرار شد با دکتر احسن عارفی در میان بگذارد.

ستاد نماز جمعه، تماس گرفت و برنامه تنظیم شد. با آقای مهدوی اکنی اوزیر کشور و کمیسیون امور داخلی درباره قانون انتخابات مجلس و ریاست جمهوری بحثها و کارهایی داشتیم.

عصر به جلسه فاتحه حزب جمهوری اسلامی، برای شهدای انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب رفتم. گفته شد که تعداد شهدا دو سه نفر بیشتر از هفتاد و دو نفر است، ولی قرار شد به خاطر اعتبار و ارزش عدد هفتاد و دو و شباهت آن با شهدای کربلا و جا افتادن آن، عوض نشود. ملاقاتی با رهبران جمعیت امل لبنان داشتم. اظهار حمایت کردند و کمک خواستند. سپس با کارمندان سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی که مشکلات اداری و مالی داشتند ملاقات کردم. شب زودتر به خانه آمدم و برای اینکه، سحر بایستی برای روزه گرفتن، بیدار شویم، شام سبکی خوردم و خوابیدم.

۱. تحریرالوسیله مجموعه فتاوی حضرت امام بوده و معصل تر از کتاب توضیح المسائل به انعکاس نظریات فقهی امام خمینی پرداخته است.

جمعه ۱۲ تیر

۱ رمضان - ۲ جولای

روزه گرفتم؛ ولی بعد از ظهر از طرف مراجع اعلام شد که ثابت نشده، امروز ماه رمضان باشد. عده‌ای صبح زود به خانه آمدند و آقای تحریریان خبر بازداشت آقای میناچی^۱ را داد و کمک خواست. قرار شد صحبت کنم. خانم شهید مطهری هم آمد و اصرار داشت که منزل بعضی از معارف، کانون ضدانقلاب است و چاره‌ای می‌خواست.

سری به بیمارستان قلب زد، برای احوالپرسی از آقای خامنه‌ای. سپس به دانشگاه [تهران] برای اقامه نماز جمعه رفتم. آقای حبیب‌الله عسکراولادی سخنران پیش از خطبه‌ها بود. خطبه‌ها را خواندم و نماز جمعه را اقامه نمودم. به شدت اندوهگین بودم و سعی کردم که اندوهم را مخفی نمایم و مطمئن و امیدوار جلوه کنم. نمی‌دانم چه قدر موفق بودم^۲.

جمعیت به خاطر مسائل جاری، خیلی زیاد بود و من تحلیلی از درگیریهای داخلی، براساس درگیری ایمان با کفر و نفاق دادم. مصاحبه‌ای هم در همان جا با خبرگزاری آلمان در رابطه با شهادت هفتاد و دو نفر نمودم.

بعد از ظهر در خانه استراحت کردم و ساعت پنج بعد از ظهر در جلسه شورای عالی دفاع در ستاد ارتش شرکت کردم. تصمیم گرفتیم، پیشنهاد آتش بس ماه رمضان را که توسط [اولاف] پالمه^۳ در ژنو به سفیر ما داده شده بود، رد کنیم. کارهای متراکم ایجاب می‌کند که در روزهای تعطیل هم کار کنیم.

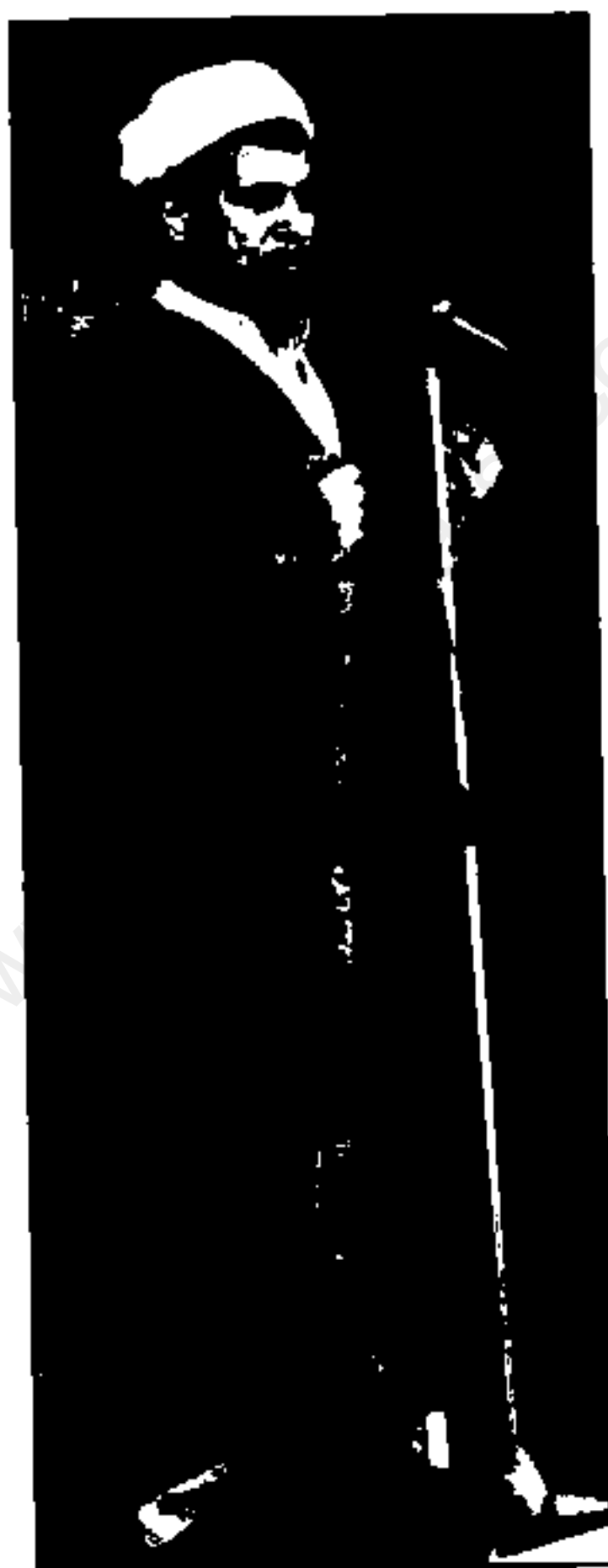
آقای اولی‌الله [فلاحی] از اختلافات بین خودش و آقای ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی صحبت داشت و چاره‌جویی کرد. مشکلی است که به جنگ ضربه می‌زند. قرار شد جدی برخورد کنیم. گزارشی از وضع امکانات و نیروهایمان شنیدیم؛ مشکلات جدی برای تدارکات داریم.

افطار در منزل شهید بهشتی مهمان بودیم و جمع زیادی از دوستان بودند؛ من جمله دکتر محمود روحانی که گفته می‌شد جزء شهدا یا مجروحان است. معلوم شد در جلسه شرکت نداشته، جلسه را قبل از انعقاد ترک کرده.

۱ - دکتر میناچی وزیر ارشاد در دولت موقت مهندس بازرگان بود.

۲ - هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول - دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۶ - تهران.

۳ - معاون دبیرکل سازمان ملل متحد.



اولین خطبه جمعه

احمد آقا تلفن کرد و گفت امام ، اقامه نماز جمعه تهران را در دوره نقاهت
آقای خامنه ای به عهده من گذاشته اند .

با بعضی از دوستان محرم‌تر، درباره وجود نفوذی‌های فراوان گروهکها در جاهای حساس و خطرهای احتمالی در کمین و ضرورت تقویت محافظت و احتیاط و مراقبت شدید از آقای خامنه‌ای، صحبت کردیم.

شنبه ۱۳ تیر

۲ رمضان - ۲ جولای

جلسه علنی نداشتیم. حدود ساعت نه ونیم به مجلس رفتم. برای کمیسیون آئین‌نامه مدتی انتظار کشیدم. نصاب لازم بدست نیامد. آقای احمدی‌بهشتی نماینده فسا برای پرسش - که محافظ ایشان بوده و به اتهام همکاری با منافقان بازداشت شده - کمک خواست. آقای انصاری نماینده نیشابور هم استعفایش را آورده بود. علت آن فشار بعضی از مردم حوزه انتخابیه‌اش، علیه ایشان به خاطر عدم حضورش در جلسه رأی‌گیری، برای عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر می‌باشد. همه جا مردم، این گونه افراد را تحت فشار گذاشته‌اند و محیط بر اینها تنگ شده.

بعد از ظهر مهندس امهدی‌بازرگان، دکتر ایدالله‌اسحایی و دکتر اکاظم‌اسامی آمدند، برای چاره‌جویی در همین زمینه و کم کردن فشار اجتماعی. توقع داشتند امام چیزی بگوید و یا من از آنها تعریف کنم. من گفتم امام راه را باز گذاشته‌اند و پیشنهاد کردم موضعشان را در مقابل ضدانقلاب، صریحاً اعلان نمایند. قرار شد چیزی بنویسند. جنایت هولناک انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت این همه نیروهای انقلاب که مورد علاقه آنها هم بوده‌اند، وجدانشان را تحت فشار قرار داده.

سفیر لیبی آمد و موضع لیبی را در تأیید ادامه جنگ با عراق تا سقوط صدام، اعلام داشت و از توجه ما به ایشان شکایت داشت. از طرف ما احساس کم‌اعتمادی می‌کنند و حمایت کشورهای عربی در جنگ، برای ما مهم است، چون مانع می‌شود که جنگ عرب و فارس تلقی شود؛ آن گونه که عراق می‌خواهد.

در جلسه فاتحه‌ای که امام برای هفتاد و دو شهید، در مسجد شهید مطهری گرفته بودند،

۱ - نهفت آزادی با ارسال تلگرامی به محضر امام خمینی، املاان فاجعه انفجار ۷ تیر را شدیداً محکوم کرد. در این بیانیه آمده است: تشنجات و تجاوزات خیابانی به ضرر جمهوری اسلامی و به نفع بیگانگان است. هر فرد یا گروهی که موجبات تشنج و تجاوز و ارباب را فراهم آورد، آب به آسیاب دشمنان انقلاب اسلامی ایران ریخته است.

شرکت کردم. جمعیت عظیم و پرشوری جمع شده بودند. افطار در منزل همسایه خودمان آقای فقیهی میمان بودیم. از همراهان قبل از انقلاب است.

یکشنبه ۱۴ تیر

۳ رمضان - ۵ جولای

اول صبح آقای محسن رضائی به منزل آمد و گزارشی از وضع مبارزه با گروهکها داد. معلوم شد که عامل انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی، (منافق فراری |محمدرضا| کلاهی) از اتیروهای سازمان |مجاهدین خلق است. از پرونده‌ای که قبلاً انجمن اسلامی دانشگاهش برایش تشکیل داده‌اند، چنین مشخص می‌شود.

جلسه علنی داشتیم. معرفی وزیر خارجه مطرح بود که تصویب شد. آقای مهندس میرحسین موسوی، سردیر روزنامه جمهوری اسلامی، وزیر خارجه شد. از اول کار، آقای رجائی ایشان را معرفی کرده بود. بنی صدر قبول نمی‌کرد. آقایان |دکتر حسن| آیت و احمد کاشانی مخالفت کردند و عکس العمل بدی داشت؛ مخصوصاً از آقای آیت که عضو شورای مرکزی حزب است. عصر، جلسه شورای مرکزی حزب، در دفتر من منعقد شد. درباره انتخابات میان دوره‌ای مجلس بحث شد. روی عده‌ای تصمیم گرفتیم. قرار شد چند نفر هم احتیاطاً داوطلب ریاست جمهوری شوند که در صورت پیش آمدن مشکلی، در بن بست قرار نگیریم. وضع امنیت بد است.

در سالن مجلس، جلسه‌ای مرکب از مسئولان اجرایی و نمایندگان مجلس، باقیمانده هواداران حزب جمهوری اسلامی، تشکیل شد؛ طبق معمول هفتگی که در حزب تشکیل می‌شد. هنوز جمع زیادی هستیم. یادبودی بود و مروری بر علل و آثار فاجعه هفته قبل. افطار را به خانه آمدم. احمد آقاخیمینی تلفن کرد و گزارشی از آقای فلاحی مبنی بر تصمیم حرکت وسیع مجاهدین خلق در خیابانهای تهران با همکاری عراق و کردهای محارب نقل می‌کرد و خبر |ارسال| نامه‌ای از نهضت آزادی به امام را که مجاهدین را محکوم کرده‌اند |ارساند| و پیشنهاد پخش آن را داد.

دوشنبه ۱۵ تیر

۴ رمضان - ۶ جولای

دو روز از خاطرات عقب مانده را نوشتم. جلسه علنی داشتیم و لایحه احزاب مطرح بود.

چند ماده تصویب شد. رئیس دفتر جدید را دعوت به کار کردم^۱. آقای ساداتیان دانشجوی سال سوم برق است. از اعضای حزب جمهوری اسلامی است که یک سال است، به آلمان رفته. بعد از این فاجعه [هفتم تیر] برای جبران کمبود نیروها، تصمیم گرفته است در ایران کار کند. آقای زمانی، رئیس دفتر من که شهید شد، یکی از همین نیروها بود.

برادر شهید زمانی به ملاقاتم آمد. در هندوستان در خانه فرهنگ ایران کار می‌کند. به خاطر مادرش تصمیم گرفته، دیگر به هند نرود.

بعد از ظهر، شورای عالی دفاع داشتیم. تیمسار ظهیرنژاد احضار شده بود. برای بررسی اختلاف نظرهای ایشان و آقای [ولی الله] فلاحی بحث زیادی شد. در رفع اختلاف پیشرفتی نکردیم.

قرار شد، در جبهه عمل کنند و حرکتی را خیلی زود برای سرکوب نیروهای متجاوز بعثی عراق آغاز نمایند. از کمبود مهمات می‌گفت که قول تأمین آن داده شد. بعد از سفر اول سال من به خوزستان و مذاکره با فرماندهان در جبهه و سپس مشاوره‌ها و پیگیریها طرحهای عملیاتی تهیه شده بود، ولی با وجود بنی‌صدر کارها کند بود.

خبر آسیب دیدن و نیمه غرق شدن یکی از ناوهای نیروی دریایی در کنار خارک رسید که آقای فلاحی گفت، در دریا تصادف کرده و مشغول تعمیرند. تلفات جانی نداشته‌ایم.

خبر شهادت مهندس [علی] انصاری استاندار گیلان و جراحات معاونش مهندس [علیرضا] نورانی در اثر ترور ضدانقلاب رسید^۲. تروریسم حاد و وسیعی بدون محافظت درست، در پیش داریم.

نزدیک غروب به عیادت آقای خامنه‌ای به بیمارستان رفتم. حالشان بهتر است. خبر

انفجار دفتر حزب را با شهادت جمعی به ایشان گفتم، ولی گفته شد که آقای بهشتی مجروحند.

قرار شد بعداً همه چیز را به ایشان بگویند. امروز سرهنگ نامجو را احضار کرده بودند و

راهنمائیهای در مورد سمت جدیدش نموده بودند. کم کم مشغول به امور جاری خواهند شد.

احمد آقاخمینی هم آمدند. با هم افطار را به منزل ما آمدیم. فرصتی شد که بحثهای زیادی

۱ - رئیس دفتر قبلی ایشان - شهید علی اصغر آقازمانی - در حادثه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

۲ - مهندس علی انصاری استاندار گیلان و مهندس علیرضا نورانی معاون عمرانی استاندار در روز ۱۵ تیر ماه ۱۳۶۰ هنگام صبح، عازم محل کار خود بودند که در یکی از خیابانهای رشت مورد اصابت گلوله تروریستها فرار گرفته و به بیمارستان رازی رشت انتقال یافتند. مهندس انصاری در حین ترور جان سپرد و مهندس نورانی در ساعت ۹ صبح در بیمارستان به شرف شهادت نائل آمد.

کنیم.

آقای اعلی‌الاریجانی مدیر عامل صداوسیما هم آمد و گله از ناسازگاری آقایان اعلی‌اجتی و احسن‌پروحانی دو عضو شورای سرپرستی داشت.

سه شنبه ۱۶ تیر

۵ رمضان - ۷ جولای

دیر از خواب بیدار شدم. بعد از سحری خوردن، ساعت سه و نیم صبح خوابیده بودم، نزدیک ساعت هشت صبح از خواب پریدم. ساعت هشت بایستی جلسه علنی شروع شود. با نیم ساعت تأخیر به مجلس رسیدم. طرح احزاب در دستور بود، تمام نشد. در مورد شهادت آقای انصاری و معاونش صحبت کوتاهی نمودم.

ظهر، خانم چراغزاده دزفولی، همسر یکی از نمایندگان شهید [نماینده رامهرمز] آمد و در مورد حفاظت نمایندگان و وضع خانواده شهدا مذاکراتی داشت. خانم مؤمنه و خوشفکری به نظر رسید، مقاوم و صبور. دو بچه خردسال دارد. ملت نیرومندی داریم. این انقلاب با این نیروها، می‌تواند به جایی برسد.

آقای محمدی گرگانی، نماینده گرگان آمد. از اهانت مردم خط امام گرگان نسبت به خویش گله‌مند بود و چاره‌جویی می‌کرد. از فشاری که روی مجاهدین خلق وارد می‌شود، نگران بود و اظهار می‌داشت، تروریسم را وسیعتر می‌کند و نابود نمی‌شوند، ولی راه و چاره‌ای ارائه نداد. قرار شد بعداً صحبت کنیم. از افراد سطح بالای مجاهدین بود، در زندان با هم بودیم ولی اخیراً می‌گوید، دیگر عضویت ندارد.

عصر، آقای شیخ حسن صفار آمد و از حمایت نیروهای انقلابی شبه جزیره‌العرب از انقلاب ایران گفت و از مشکلاتی که توسط برخی عناصر اداری ایرانی، برای انقلابیون عرب ساکن ایران ایجاد می‌شود، گله داشت و چاره می‌خواست.

آقای مصطفی میرخانی آمد و قرارى برای ملاقات با دکتر [حبیب‌الله] پیمان گذاشت و برای آزاد کردن عزت‌الله خلیلی که در رابطه با مجاهد بودن فرزندانش بازداشت شده، کمک خواست.

چند نفر از نمایندگان برای حفاظت مراجعه کردند. مسأله مهم روزاست و حق دارند. تلگرامهای تسلیت شخصیتهای داخلی و جهانی و گزارشها را خواندم.

عصر به دیدن آقای خامنه‌ای رفتم. مقداری درباره وضع موجود و امور خارجی صحبت کردیم. حالشان بهتر است. دست راستشان را گچ گرفته‌اند. دوماه باید در گچ بماند. افطار را با نخست وزیر و روحانیت مبارز، مهمان آقای ناطق نوری بودیم. درباره ریاست جمهوری و کابینه بعدی بحث بود. شب دیر به خانه آمدم. بستگان عفت و خودم بودند. مقداری صحبت کردیم و خوابیدیم.

آقای امینیان و قدسی خانم که از بلژیک آمده بودند، از فعالیت خصومت آمیز ضدانقلاب ایرانی و کمکهای انقلابیون در خارج گفتند.

چهارشنبه ۱۷ تیر

۶ رمضان - ۸ جولای

شب خیلی دیر خوابیدم و بعد از سحر هم، خواب عمیقی رفتم. جلسه علنی داشتیم و طرح احزاب مطرح بود. بعد از ظهر جلسه هیأت رئیسه داشتیم. برنامه هفته آینده بودجه است. درباره وضع خانواده‌های شهدای مجلس بحث شد و تصمیم گرفتیم، دوست خانه مسکونی از طرف مجلس برای نمایندگان در زمینی که قبلاً خریده شده بود، ساخته شود.

آخر وقت، در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری، در دفتر آقای دکتر باهنر شرکت کردم. درباره تکمیل کادر بعد از شهادت دوستان و انتخابات ریاست جمهوری و میان دوره‌ای مجلس بحث کردیم.

آقای سرهنگ نامجو، نماینده امام در شورای عالی دفاع، ضمن برخوردی، از تخلفات وزارت دفاع در خرید اسلحه و احتمال رفتن وزیر دفاع صحبت داشت. خانم دکترلی (طب سوزنی) کراهی آمده بود و از تنزل سفارت کره جنوبی به سطح کاردار شکایت داشت.

آقای مهندس وهاب زاده آمد و از اینکه پسرش حمید که در دفتر آقای بنی صدر کار می‌کرده و با مجاهدین خلق بوده و بازداشت شده، ناراحت بود و کمک خواست. از همراهان قبل از انقلاب [بود].

خانم شهید دکتر بهشتی آمد و درباره کمبودهای زندگی بعد از ایشان، درد دل داشت. چیزی برای خانواده‌اش به ارث نگذاشته؛ جز خانه و حقوق بازنشستگی.

خانم شهید عراقی و امیر فرزندش آمدند و درباره کار امیر و چیزهای دیگر، حرفهایی داشتند. سحر به تنهایی سحری خوردم. عفت ضعیف است و نمی‌تواند روزه بگیرد، به خاطر



حضور فرماندهان ارتش در شورای عالی دفاع

سرهنگ جوادی - سرهنگ حسن فروزان - تیمار ظهیر نژاد - تیمسار ولی الله فلاحي - سرهنگ جواد فکوری - نایب افصلی



سرهنگ موسی نامجو نماینده امام در شورای عالی دفاع

من بیدار شد و سحری تهیه کرد و با من بیدار ماند، که تنها نباشم. بچه‌ها همگی به مسافرت رفته‌اند.

پنجشنبه ۱۸ تیر

۷ رمضان - ۹ جولای

صبح زودتر از هر روز به مجلس رفتم. آقای مرادی دادستان انقلاب رفسنجان آمده بود و به خاطر اینکه ایشان را عزل کرده‌اند، کمک خواست. معتقد است که تفوذ رقبای محلی، مؤثر بوده.

نیم ساعت قبل از جلسه علنی، در دفتر کارم گزارشها را مطالعه کردم. اول جلسه، بحث درباره طرح احزاب بود که تمام شد. اعتبارنامه آقای سید هادی خامنه‌ای نماینده فریمان مطرح و بی اعتراض تصویب شد. آخر وقت بودجه کل مطرح شد که چند روزی وقت خواهد گرفت.

ظهر با نخست وزیر درباره وضع نامطلوب سالن ورود مسافران خارجی که مردم را معطل می‌کنند، مذاکره کردم. از آقای اسدالله الاجوردی درباره چند بازداشتی توضیح خواستم. آقای محمد صادق احاطری شیرازی پیشنهاد داشت، به جای ایشان آقای (محمد) موسوی خوئینی‌ها سخنرانی قبل از خطبه‌های نماز جمعه را ایراد کند، با آقای موسوی اخوئینی‌ها صحبت کردم، آمادگی نداشت.

با آقای موسوی اخوئینی‌ها درباره نخست وزیر آینده صحبت کردیم. بیشتر به آقای باهنر رسیدیم. بعد از ظهر با مسئولان شرکت ایزیران که شرکت دولتی کامپیوتری، متعلق به وزارت دفاع است، صحبت کردم. از اینکه شورای انفورماتیک، مانع فعالیتهای خودکفایانه آنها است، شکایت داشتند. اطلاعات مفیدی دادند.

با عده‌ای که از رئیس شهربانی و وزیر کشور گله داشتند و پیشنهاد تعویض آنها را می‌دادند، صحبت کردم. حرفهای قانع کننده‌ای نداشتند و ناراضی رفتند. نماینده انجمن اسلامی وزارت نفت آمد و از طاغوتی بودن وضع وزارت نفت، مفصل صحبت داشت. اگر درست باشد وضع بدی است، فرار شد تعقیب کنیم.

از طرح اسفراين - که جهت ایجاد صنایع سنگین توسط شوروی در ایران، بنیاد شده است - تلفنی صحبت کردند و شکایت از مخالفت لیبرالها داشتند.

افطار به خانه آمدم. تنها بودم. فرصتی شد که مقداری روی فیشهای قرآنیم، راجع به آزمایش و تفاق برای خطبه‌های فردا، مطالعه کنم.

جمعه ۱۹ تیر

۸ رمضان - ۱۰ جولای

بعد از صرف سحری نخوابیدم و دو ساعت برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. علی، اخوی زاده که دو ماه در جبهه غرب با سپاه پاسداران بوده، آمد و خوشحال شدم. قبل از شرکت در نماز جمعه، در بیمارستان قلب از آقای خامنه‌ای عیادت کردم. حالشان بدنیست ولی تا سلامت کامل، خیلی فاصله دارند.

نزدیک ساعت یازده صبح به دانشگاه تهران برای اقامه نماز جمعه رفتم. آقای [محمدصادق] حائری شیرازی سخنران قبل از خطبه‌ها بود. مراجعات نگذاشت به گفته‌های ایشان گوش کنم. خطبه‌های من درباره آزمایش و تفاق و بخش عربی درباره وضع کلی انقلاب بود. پس از نماز به خانه آمدم. بعد از استراحت، غذائی برای افطار پختم، چون عفت و بیچه‌ها نیستند.

بعد از ظهر، در جلسه شورای عالی دفاع در ستاد مشترک شرکت کردم. تیمسار فلاحی می‌گوید آقای ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی، معتقد به حرکت ارتش نیست و بهتر می‌داند، وضع کنونی محفوظ بماند و نامه‌ای از سرهنگ یعقوب حبشی از افسران ستاد نیروی زمینی خواند که ارتش را در وضع کنونی، قادر به اخراج ارتش عراق نمی‌داند و محتاج به دوسه لشکر جدید التاسیس می‌باشد که به این زودیها، امکان ایجاد آن نیست. گزارشی از وضع مهمات داد که بد نبود. پیشنهاد شد با مذاکره و فشار، باید مانع صدور بی حساب نفت کشورهای نفت خیز شویم به خصوص نفت عربستان سعودی. با این وسعت که بازارهای دنیا را اشباع کرده و دست صادرکنندگان نفت را بسته. که در دستور مطالعه قرار گرفت، عربستان با کمک‌های بی دریغ خود به عراق، عملاً با ما در مخالفت است.

با آقای رجائی درباره نخست وزیر بحث کردیم که من آقای باهنر را پیشنهاد کردم. شب را در خانه بودم.

شنبه ۲۰ تیر

۹ رمضان - ۱۱ جولای

به خاطر بودجه که به موجب آئین نامه، باید حداقل روزی پنج ساعت جلسه علنی داشته باشیم، وقت جلسه را ساعت شش صبح قرار داده بودیم. ولی تا ساعت هشت ونیم صبح، به خاطر کم شدن تعداد نمایندگان، با شهادت جمعی در حادثه انفجار مرکز حزب جمهوری اسلامی، نصاب لازم برای تشکیل جلسه رسمی حاصل نشد. از ساعت هشت ونیم جلسه شروع شد. بحث در کلیات بودجه بود.

اداره جلسه را به آقای پرورش نایب رئیس اول سپردم و برای انجام کارهای عقب افتاده به دفترم رفتم. گزارشات را خواندم و نامه های رسیده را جواب دادم و کارها را انجام دادم. ظهر آقایان [محمد ارجانیان، صفری و فرض پور] به ترتیب نمایندگان زنجان، برازجان و آستارا آمدند. شکایت داشتند که بعد از عزل بنی صدر از طرف مردم به تحریک ارگانها و مسئولان حزب الهی، تحت فشار و اهانت اند. قرار شد برای تلطیف جو کمک کنم. قبلاً هم بعضی از نمایندگان تهران و نیشابور و [اسدالله] عالی پور و محمد شجاعی چنین شکایتی کرده بودند.

عصر آقای موسوی گرمارودی، مشاور فرهنگی آقای بنی صدر آمد و ناراحت بود؛ با ذکر سوابق مبارزات خود و اظهار وفاداری، حضور خودش در کنار بنی صدر را توجیه کرد و کمک خواست و گفت با تأیید آیت الله صدوقی آنجا بوده و کمک به خط امام داشته. مصاحبه ای با نماینده خبرگزاریها، برای ایتالیا انجام دادم. آقایان محسن رضائی و ارضا سیف الهی آمدند و از پیشرفت کار در کشف ضدانقلاب و بازداشت اطرافیان بنی صدر و پیدا کردن ردپای او که در اختیار مجاهدین است، خوشحال بودند و از تصمیمات قاطع ستاد امنیت در سرکوبی ضدانقلاب راضی تر.

جمعی از اعضای سازمان عمران زمین آمدند و خواستار تسریع در گذراندن لایحه اراضی شهری بودند.

آقای طیب از شبکه دو تلویزیون آمد. بنا دارد از ناآین نامزد شود، کمک می خواست. افطار به خانه آمدم. گزارشی از وضع پلاژ مخصوص ارتشیان در نوشهر رسید. تا حدودی

وظایف اسلامی را مراعات می‌کنند. زن و مرد را در دریا از هم جدا کرده‌اند و محیط پلاژها، زننده نیست، ولی بی‌حجاب هنوز هست. وضع رفاهیشان خوب است.

یکشنبه ۲۱ تیر

۱۰ رمضان - ۱۲ جولای

جلسه علنی، ادامه بحث در کلیات بودجه داشتیم. نیمی از وقت جلسه را من اداره کردم و نیم دیگر را آقای اعلی اکبر پرورش. بعد از ظهر آلبوم نامزدهای ریاست جمهوری را آوردند؛ غیر از چهار نفر آقایان رجائی، عسکراولادی، شیانی و پرورش چهره مشهوری در آنها نیست و انتخابات بی رقیب و کم رونق خواهد بود^۱.

عصر در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم. بحثها در اطراف تکمیل کادر حزب و انتخابات میان دوره‌ای مجلس و ریاست جمهوری بود. افطار به خانه آمدم. بحث درباره آمدن محسن از بلژیک بود. محسن پریشب تلفنی اطلاع داد که امتحانش تمام شده و یک ماه وقت دارد که مایل است در ایران بگذراند. از من خواست که برای او بلیط بگیرم. به او اطلاع دادم که شب، تلفنی تکلیف نهائی را معلوم می‌کنیم، ولی نتوانستیم تماس برقرار کنیم.

این روزها خبرهای مهم، مربوط به بازداشت و کیفر اعضای گروهکهای مجاهدین خلق، پیکار، اقلیت فدائی خلق، رنجبران، جبهه ملی و دیگر اشرا است. هوادارانشان را خیلی ترسانده و فعالیت‌هایشان را کند کرده. گاهی پرتاب نارنجک و کوکتل مولوتف در جاهای غیر حساس به چشم می‌خورد. اسلحه‌ها و امکانات خود را در خیابانها می‌گذارند، عواقب این وضع را خدا به خیر بگرداند. چه خوب بود، چنین وضعی پیش نمی‌آمد، ولی آنها آوردند.

دوشنبه ۲۲ تیر

۱۱ رمضان - ۱۳ جولای

با کمی تأخیر به مجلس رفتم. بحث در جزئیات لایحه بودجه شروع شد و پیشرفت خوبی داشتیم. صبح و عصر جلسه داشتیم.

عصر، در جلسه شورای عالی دفاع، در ستاد مشترک شرکت کردم. آقایان مهندس

۱ - در این انتخابات دو روز قبل از رأی گیری آقایان عسکراولادی و پرورش به نفع رجائی از انتخابات کناره گیری کردند.

امحمد [غرضی و مهندس سرداری از برنامه استفاده از آب در مقابل دشمن، شرحی ارائه دادند. کارهای نسبتاً جالبی انجام شده. فرماندهان لشکرهای ۸۱ و ۹۲ و ۱۶ و ۲۱ و ۷۷ نیروی زمینی در جلسه شرکت کردند. ضمن تذکر، کمبود مهمات توپ ۱۵۵ و بعضی از مهمات و سلاحهای دیگر، برنامه آینده نزدیک خودشان را در جبهه‌ها گفتند. تحرک لازم در جبهه‌های جنوب نیست. با اینکه دشمن با اعتراف خود فرماندهان، ضعیف و آماده هزیمت است. عذرشان هم کمبود مهمات و گرما است. ولی چون چند لشکر، قول حرکت دادند، شورا به انتظار حرکت نزدیک، فعلاً اقدامی نکرد، اما اگر تحرک لازم دیده نشد، باید فکری بکنیم. آقایان اولی‌الله [فلاحی و [جوادی] فکوری هم سخت طرفدار حرکت سریع‌اند. کوتاهی را از نیروی زمینی می‌دانند. آینده، حقیقت را روشن می‌کند.

خبرهای مقامات امنیتی، حاکی از پیشرفت در سرکوب ضدانقلاب داخلی و دستگیری عوامل آنها می‌باشد. رد پای بنی صدر هم با گرفتن برادرش پیدا شده. ممکن است به بازداشت او بیانجامد. بعضی معتقدند، در اختیار مجاهدین خلق است. شب با محسن صحبت کردیم، و قرار شد بعد از امتحانش به ایران بیاید. آخر شب، خانم شهید بهشتی آمد و برای رفع مشکلات اداری در تعویض خانه مسکونیش، کمک می‌خواست.

کمی راجع به مشکلات فکر کردم؛ صبر، اطمینان و امید خود و همراهان، توجهم را جلب کرد. فکر کردم با این همه خطر در جبهه‌های شمال و غرب و جنوب و نفوذ و ایذاء ضدانقلاب و از دست رفتن بخشی از کادرهای مهم و کمبودهای ناشی از انقلاب و شرارت استکبار و عوامل داخلی آنها و حال آقای خامنه‌ای و کسالت قلبی امام و شکنندگی سلامت ایشان و اختلافات عمیق، جز لطف و هدایت و افاضه آرامش و صبر، توان ربوبی، نمی‌تواند این وضع را به وجود بیاورد. قبل از خواب سجده شکر به جا آوردم و دعا کردم، برای ادامه این روحیه‌ها که سرمایه تلاش، صبر، آرامش و امید است.

سه شنبه ۲۳ تیر

۱۲ رمضان - ۱۴ جولای

دوروز تاخیر در نوشتن خاطرات را اول وقت نوشتم. سپس به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. بحث درباره لایحه بودجه بود. پیشرفت خوبی داشتیم. صبح و عصر جلسه علنی بود. بعد از ظهر، سفیر کره جنوبی برای خدا حافظی آمد و نامه رئیس مجلس کره جنوبی را آورد که از